



یادگارهای ماندگار

وصیت نامه های شهیدان
شرکت ملی نفت ایران

گردآوری:

مدیریت توسعه منابع انسانی - امور ایثارگران

انتشارات روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران





یادگارهای ماندگار وصیت نامه‌های شهیدان شرکت ملی نفت ایران

گردآوری:
مدیریت توسعه منابع انسانی - امور ایثارگران

انتشارات روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران



یادگارهای ماندگار، وصیت نامه های شهیدان شرکت ملی نفت ایران
گردآوری: مدیریت توسعه منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران - امور ایثارگران
ناشر: روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران
چاپ نخست: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

«کلیه حقوق چاپ و نشر متعلق به ناشر است.»

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رودسر، شماره ۱۸، ساختمان مرکزی سوم شرکت ملی نفت ایران
کدپستی: ۱۵۹۳۶۴۵۴۱۱، تلفن: ۶۱۶۲۷۲۲۰ - ۶۱۶۲۷۲۳۲، شماره: ۸۸۹۴۶۳۶۲
www.nioc.ir



امام خمینی (ره):

این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید.

مقام معظم رهبری:

این وصیت‌نامه‌هایی که امام می‌فرمودند بخوانید، من به این توصیه ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هر چه از وصیت‌نامه‌های همین بچه‌ها به دستم رسیده - یک فتوکپی، یک جزوه - غالباً من این‌ها را خوانده‌ام؛ چیزهای عجیبی است. ماها واقعاً از این وصیت‌نامه‌ها درس می‌گیریم. این‌جا معلوم می‌شود که درس علم و علم الهی، بیش از آنچه که به ظواهر و قالب‌های رسمی وابسته باشد، به حکمت معنوی - که ناشی از نورانیت الهی است - وابسته است. آن جوان خطش هم به زور خوانده می‌شود، اما هر کلمه‌اش برای من و امثال من، یک درس و یک راهگشاست و من خودم خیلی استفاده کرده‌ام.

سخنرانی ۲۷ شهریور ۱۳۷۰

فهرست

صفحه

۱

پیش‌گفتار

۱۶

شهید عبدالحسین آقائی گواری

۱۷

شهید غلام‌رضا بزرگ‌زاده آقاخورد

۱۸

شهید حبیب جواهری

۲۴

شهید عبدالکریم جهانگرد اهوازی

۲۸

شهید علی اکبر خوشدونی فرهانی

۳۲

شهید محسن ریحانچی

۳۶

شهید نادر شفقت

۴۰

شهید فتح‌اله شیرین آبادی

۴۴

شهید محسن صادقی

۴۸

شهید محمود طیبی

۵۲

شهید وحید طیبی

۵۶

شهید احمدرضا عطار

۶۰

شهید علی فتاحی نیا

۶۲

شهید بهزاد قبادی

۶۸

شهید محمدتقی قدوسی

۷۲

شهید جهانگیر قنواتی

فهرست

صفحه

۷۶

شهید حسن قنواتی

۷۸

شهید بیژن کلاتر هرمزی

۸۲

شهید ایوب کمالی

۸۴

شهید اسماعیل کنارکوهی

۸۸

شهید فرداد کیانی اصلانی

۹۰

شهید مهرداد گل‌زردان

۹۴

شهید حسن لاجوردی پور

۹۶

شهید عبدالعلی لر

۱۰۰

شهید مسعود لرکی

۱۰۴

شهید سید مهرداد مجدزاده طباطبایی

۱۰۸

شهید سید منصور منتظری

۱۱۰

شهید مسعود میرآب

۱۱۴

شهید غلام‌رضا نادری

۱۱۶

شهید محمد نژاد فلاح

۱۱۸

شهید علی اصغر نورمحمدی

۱۲۴

شهید نعمت‌اله ولی‌زاده

یادآوری: صفحه‌آرایی بر اساس القیای نام خانوادگی شهیدان انجام شده است.



پیش‌گفتار

تاریخ صد ساله نفت ایران مشحون از افتخارات ماندگاری است که توسط فرزندان لایق این مرز و بوم در مقاطع خاص و دشوار خلق شده و آنان با درایت و کاردانی بی‌نظیر بر مشکلات و سختی‌ها فایق آمده و با ابتکار عمل و اقدامات بدیع و خلاقانه برگه‌های زرین بی‌شماری بر تاریخ درخشان صنعت نفت کشور افزوده‌اند. نمونه بارز این افتخارات، حماسه‌آفرینی‌ها و جانبازی‌های عاشقانه این شیرمردان در جبهه‌های عشق و تولید بود. این شاددلان سرخوش از باده وصل بر چهره مرگ نیز لبخند زدند و عطای زندگی خاکی را به شهد شیرین شهادت، بخشیدند و داغ حتی یک روز صادر نشدن نفت را به دل دشمنان گذاشتند. ملت قهرمان و سرافراز ایران آسایش و آرامش امروز خود را مدیون دلاورمردی‌ها، جان‌فشانی‌ها و ایثارگری‌های دریادلانی چون شهدای صنعت نفت است که تفسیرگر واقعی معنای واژه ژرف ایثارند، آنانی که عمر گران‌بهای خود را در طبق اخلاص نهاده و از عزت و آزادی و شرف

انسانی و اسلامی پاسداری کردند و این چنین است که در پیشگاه پروردگار متعال و ملت بزرگ ایران سربلند و سرافراز و شایسته تحسین و ستایش بسیارند و با حماسه‌های جاودان، تاریخ را مبهوت هنرنامه‌ی خویش ساخته‌اند و برای ایران و ایرانی غرور و بالندگی به ارمغان آورده‌اند و وظیفه ادامه راه را در سنگر تولید به ما سپردند و ما وظیفه خود می‌دانیم که همیشه یاد و خاطره این عزیزان را گرمی داشته و ادامه دهنده راه آنان باشیم. در خاتمه از درگاه حضرت احدیت برای همه شهیدان گلگون‌کفن، علو درجات و برای خانواده سرافرازشان سلامتی و طول عمر مسئلت داریم.

شایان ذکر است نوشتار پیش رو که با همکاری امور ایثارگران شرکت ملی نفت ایران گردآوری شده، گزیده شماری از وصیت‌نامه‌های شهیدان است و تا جایی که مقدور بوده، سعی شده ساختار هر یک از آن‌ها حفظ شود.

روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران

شهید حاج عبدالحسین آقا نیکوکار



تاریخ تولد: ۱۰ شهریور ۱۳۳۶
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: دانشجوی دانشکده صنعت نفت
اهواز، خوزستان
وضع ناهل: متاهل
تعداد فرزند: یک دختر
تاریخ شهادت: ۲۸ بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: فاو
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

تک تکشان را می بوسم. همچنین از خداوند برای همسر و دخترم سارا طلب صبر و استقامت در مقابل مشکلات را می نمایم و از همسرم می خواهم که با تمام توان جهت تربیت سارا بکوشد به طوری که احساس بی پدری نکند. از تمام فامیل و دوستان و آشنایان به خصوص برادران دانشجو می خواهم که اگر گناهی، حرف و عملی از من دیده اند مرا مشمول صدر و وسعت نظر خودشان قرار دهند.

امید آن که عزیزان در هنگامه های راز و نیاز با معبود، ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج)، طول عمر با عزت امام، پیروزی قریب الوقوع رزمندگان اسلام، شادی روح شهیدان، شفای معلولین و مجروحین و آزادی اسرای اسلام، صبر و استقامت خانواده شهدا و آمرزش گناهان و لغزش های خود و ما از نظر دور ندارند.

شکر خداوند را که سعادتی نصیبم نمود که در آرزوی وصل محبوب خویش سر از پا نشناخته، اهل و دیار را پشت سر نهاده و راهی جبهه، آن معبد بزرگ، آن مکان مقدس که در آن رنگ و بوی دنیوی نیست و هر آنچه هست معنویت است و عشق بشتابم. این چه سر و سودایی در وجود انسان است که تابع ظواهر فریبنده این دنیای فانی خواهد شد و همان دم که احساس رفتن از این مکان به آخرت را می کند شروع به ندامت می کند.

"سوف استغفرلکم ربی انه هو الغفور الرحیم"

حال نمی دانم که این مهمان پر از غم و درد که تحفه ای جز توبه و ندامت و شرمندگی از ارتکاب گناه را ندارد، پذیرا خواهد بود.

بارالها! پس از کوتاهی ورزیدن و اسراف بر نفس خود، عذرخواه و پشیمان و شکسته خاطر و اقرارکننده و توبه کننده به درگاهت آمدم و از آنچه از من سر زده است پناهگاهی نمی بینم. خداوند! پس عذرم را بپذیر و بر شدت پریشانی ام رحمت فرست.

حال که احساس می کنم تا چند روز دیگر در این دنیا نخواهم بود، از پدر و مادرم طلب بخشش و مغفرت از برادران و خواهرانم التماس دعا می کنم و دست و پیشانی

شهریه غلامرضا بزرگ زاده آقا خورده



تاریخ تولد: ۲۷ شهریور ۱۳۴۷
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: دیپلم
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۳
محل شهادت: شرق دجله
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

حمد و ستایش خدایی را که در طریق حق هدایت‌مان نمود و اگر او ما را هدایت نمی‌کرد به این راه هدایت نمی‌شدیم.

با درود و سلام به پیامبر خاتم و سرور پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) و به منجی عالم بشریت آقا امام زمان (عج) و نایب بر حقش پیام‌آور نهضت اباعبدالله و پیر جماران، این اسطوره صبر و ایمان و استقامت و فرمانده کل قوا امام امت خمینی کبیر و به روان پاک شهدای اسلام خصوصا سیدالشهدا و خانواده معظم شهدا و همچنین امت قهرمان و شهیدپرور ایران.

در این لحظه که به نوشتن وصیت‌نامه مشغول هستم شکر و سپاس خدایی را می‌کنم که ما را از کجا به کجا هدایت کرد و مرا در لباس سرباز امام زمان قرار داد و ان‌شاءالله که واقعا همگی ما سرباز امام زمان (عج) باشیم و آقا و سرور خود را راضی و خشنود بگردانیم.

خدایا، پروردگارا، معبودا می‌دانم که هر کس لیاقت شهید شدن را ندارد و من که سراپای عمرم را به گناه و اشتباه و معصیت گذرانده‌ام ارزش شهید شدن را به هیچ وجه ندارم، لکن اگر خدایا به تو امید نداشتم و اگر به لطف و کرم و گذشت تو ایمان نداشتم، هرگز به زندگی ادامه

نمی‌دادم و به یک گوشه‌ای پناه می‌بردم و از تنهایی و بی‌کسی و زجر فراوان آخرین لحظات عمر خود را به اتمام می‌رساندم. خدایا، پروردگارا، معبودا، به جز تو کسی را ندارم و به جز تو امیدی ندارم. خدایا چشم امیدم به تو است، نکند ناامیدم کنی و فردای قیامت در مقابل دوستان و آشنایانم که به شهادت رسیده‌اند و همچنین خانواده شهدا ابرویم را ببری. خدایا می‌دانم بنده خوبی برای تو نبودم و آن چنان که بایست سپاس تو را انجام ندادم و به جای این‌که به راز و نیاز با تو بپردازم به سخنان لغو و بیهوده اکتفا کردم. پروردگارا می‌دانم به جای این‌که قرآن این کلام فصیح و پر محتوا را می‌خواندم به غیبت و تهمت و اذیت و آزار دوستانم پرداختم. خدایا می‌دانم که چقدر گناه کردم اما ای ستار العیوب ای کسی که بخشاینده گناهان بنده‌هایت هستی از تو می‌خواهم هم‌چنان که در دنیا بر گناهانم پرده افکندی در آخرت نیز ابرویم را به واسطه کثرت گناه نبری و مرا از آقا و سرور شهیدان اباعبدالله و دیگر شهدا جدا نکنی. خدایا خودت می‌دانی که بر بی‌لیاقت بودن خود نسبت به شهادت واقف هستم و دوست ندارم که وصیت‌نامه‌ای به عنوان وصیت یک شهید بنویسم،

لکن به واسطه این که وصیت‌های شهیدان است که انقلاب را حفظ کرده و در جنگ ما را پیروز و ما را صبور و شکیبا و گمراهان را هدایت می‌کند و از همه مهم‌تر این که حضرت رسول (ص) می‌فرماید:

"ماینبغی لامری مسلم أن یبیت لیلہ الا وصیتہ تحت رأسہ"

بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند مگر این که وصیت‌نامه او زیر سرش باشد. من هم به عنوان یک بنده حقیر تو و یک بنده گناه‌کار و روسیاه وصیت خود را می‌نویسم پس خدایا خودت مرا یاری کن.

اولین سخنی که دارم مخصوص شما رزمندگان و سپاهیان دلیر و شجاع می‌باشد، شمایی که با ندای لبیک به امام زمان خود پاسخ دندان‌شکنی به دشمنان خدا دادید و همچون علی‌اکبر و قاسم بن الحسن‌ها لباس رزم بر تن کردید و از خانه و زندگی و جان و مالتان گذشتید و در راه خدا پیکار می‌کنید و ان‌شاءالله که مورد قبول خدا واقع شود. چون تمامی شهدا این مسائل را ذکر کرده‌اند من حقیر هم فقط به عنوان یادآوری و تذکر به شما عزیزان و سربازان فداکار جان برکف امام زمان

عنوان می‌کنم. امید است که همگی ما به وصیت‌نامه شهدا عمل کنیم و خود را بسازیم و دیگر مرتکب گناه نشویم. ای عزیزان من، سنگرهای مقدس جبهه و همچنین مساجد را پر کنید. زیرا این سنگرها است که در مقابل دشمنان خدا مقابله می‌کنند و مردم هم چشم امیدشان پس از خدا به شما و این مساجد می‌باشد و برای مسائل کوچکی که اتفاق می‌افتد از یکدیگر دلگیر نشوید و گذشت داشته باشید تا خدا هم از شما و گذشته‌های بدمان بگذرد و تا جایی که می‌توانید ایثار و از خودگذشتگی نشان دهید و هیچ‌گاه بر اثر نیروی کم ناامید نشوید زیرا که خدا با ماست و تا هنگامی که خدا با ماست پیروزی با ماست. قرآن و دعا زیاد بخوانید و به آن‌ها جامه عمل بپوشانید.

بر سر مزار شهدا بروید و مسئله بسیار مهم این که شما باید حتما هم‌چنان که امام امت بسیار فرموده‌اند اطاعت از فرماندهی کنید و اگر مسئله‌ای به شما گفتند حتما انجام دهید، هرچند که مشکل باشد زیرا این مشکلات است که انسان را صبور و مقاوم بارمی‌آورد و هیچ‌گاه مسائل نظامی را در شهر حتی به خانواده و دوستان صمیمی خود اطلاع ندهید که این یک ضرر حتمی و بزرگ

خواهد بود.

و صحبتی که با شما مردم قهرمان‌پرور ایران دارم این‌که حتما وصیت‌های شهدا را بخوانید و به آن‌ها عمل کنید و امام را تنها نگذارید. زیرا که این لطف خدا فقط یک بار شامل حال یک امت می‌شود هم‌چون امت‌های گذشته و از روحانیت اصیل و انقلابی پیروی کنید و از شما خواهش دارم، به خاطر خدا هم که شده برای این‌که رزمندگان برای دیدار از خانواده‌شان بتوانند به شهرها بیایند حتما با مسئله بی‌حجابی و بدحجابی مبارزه کرده و شهرها را از وجود این سرکوجه‌نشین‌ها و بی‌حجاب‌ها پاک گردانید زیرا که این آرزوی هر فرد رزمنده و حزب‌اللهی می‌باشد.

و اینک وصیتم به شما پدر و مادر و خانواده عزیز و گرامی‌ام می‌باشد. سخنم را با کلام خدا آغاز می‌کنم که "کل نفس ذائقة الموت" یعنی هر نفسی و هر تنی مزه مرگ را خواهد چشید. پدر و مادر عزیزم؛ ای کسانی که پس از خدا و چهارده معصوم چشم امیدم به شما بود و مرا بزرگ کردید و تربیت اسلامی و قرآن را آموختید و مرا به مدرسه گذاشتید تا بتوانم با درس خواندنم خدمتی به اسلام و مملکت اسلامی انجام بدهم.

پدر جان؛ می‌دانم که با حقوق کم و مشکلات بسیاری که داری؛ همیشه ما را به یک وسیله‌ای خوشحال می‌کردی و با از خودگذشتگی از این شهر به شهر دیگر رفتن رنج و مشقت بسیار مواجه شدی و چه بسیار زحمت کشیده و می‌کشی، می‌دانم که من باید بزرگ می‌شدم و عصای شما و مادرم می‌گردیدم اما خدا خودش شاهد است که چاره‌ای ندارم و تنها راهی که در پیش روی خود می‌بینم و تنها راهی که سعادت دنیا و آخرت و رضایت پروردگار را در پیش دارد، رفتن به همین راه یعنی جبهه‌های حق علیه باطل می‌باشد. پدر جان قربان آن عرق‌های شما که در تابستان و در سرمای طاقت‌فرسای زمستان برای فراهم کردن لقمه نانی، از پیشانی مبارک شما به زمین می‌ریخت و قربان تواضع شما نسبت به ما فرزندان حقیر شما.

مادر عزیزم، ای مادری که چقدر در بزرگ کردن من متحمل رنج‌ها و زحمت‌ها شدی. قربان آن دست‌هایت شوم که چقدر در تابستان و زمستان از من مراقبت نمودی و چقدر بی‌خوابی‌ها کشیدی اما همچنان که در ابتدای سخنم متذکر شدم، همه برای رفتنیم، پس چه بهتر در راهی برویم که خدا را راضی و قلب امام زمان

پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران و دوستانم اگر که ان شاءالله در این حمله به فیض شهادت رسیدم، دوست دارم در غم من صبر پیشه کنید و نه تنها ناراحت نشده بلکه خوشحال باشید زیرا که این آرزوی چندین ساله من بود و دوست دارم هم چنان که شما پدر و مادرم در آمدن به جبهه با من مخالفت نکردید، بلکه حمیدرضا را نیز عازم جبهه کنید تا راه من و دیگر شهدا را ادامه دهد و سلاح مرا بر دوش بگیرد و افتخاری دیگر برای امت اسلام و خانواده‌مان بیافریند. البته هدف از رفتن من به جبهه شهید شدن نیست لکن پایان این راه و این هدف عظیم و گرامی شهادت در راه خداست که خوشا به سعادت کسانی که به این درجه عظیم دست می‌یابند و این راه راهی است که باید با عشق پیمود نه با زور و چون خدا این عشق را درون من قرار داد به جبهه رفتم تا شاید به واسطه آن خداوند از من راضی شود و از گناهان گذشته‌ام بگذرد.

در آخر می‌خواهم که سلام گرم مرا به امام امت برسانید و بگویید تا امت ما زنده‌اند شما را تنها نخواهند گذاشت و جبهه‌ها را گرم و مستحکم نگه خواهند داشت. پدر و مادر عزیز و دوستان گرانقدر می‌دانم که خوبی از من

را خوشحال بکنیم و اگر من ان شاءالله به فیض شهادت رسیدم، اگر فرزند خوبی برایتان نبودم پس چه بهتر که از من راحت شدید و اگر فرزند دل‌بند و عزیزی برایتان بودم و ان شاءالله رضایت شما را جلب کرده باشم، در مرگم صبر و شکیبایی کنید و شکر خدا نمایید که توانستید اماتتی دیگر را به این نحو تحویل خدا بدهید و می‌دانم که از دست دادن ابراهیم برای ما و خصوصا شما پدر و مادر عزیزم چقدر گران و مشکل بود و بسیار ناراحت و غمگین شدید، ولی صبر و ایستادگی کردید و ان شاءالله اگر من هم به این فیض عظیم نائل شدم که البته خود را لایق این مرگ با عظمت و شرافتمندانه نمی‌بینم، صبور و پایدار باشید همچنان که در غم دایی و مظفر و محمود، مصطفی و ابراهیم و دیگر افراد صبر کردید و چقدر این کلمه زیباست و دوست دارم که خدا به همگی ما صبر عظیم و اجر عظیم عنایت فرماید و این را هم بدانید که من خودم با تمام آگاهی و انتخاب کامل به جبهه رفتم و هیچ‌کس در رفتن من به جبهه دخالت نداشت، مگر همان الهامی که به من می‌شد که تنها راه سعادت این راه است و چاره‌ای هم نیست "انالله و انا الیه راجعون".



ندیده‌اید اما از شما طلب آموزش و مغفرت دارم. چیزی بر گردنم نیست تا جایی که اطلاع دارم. اگر چیزی از کسی پیش من است می‌تواند از خانواده‌ام تحویل بگیرد و اگر پیش کسی چیزی دارم آن را حلال می‌کنم و اگر من شهید شدم جسد من را در روز صبح پنج‌شنبه یا جمعه دفن کنید و مهر کربلا برای تبرک در آن بگذارید و از خواهرانم می‌خواهم که حتما رعایت حجاب اسلامی را بکنید و باز هم تکرار می‌کنم.

التماس دعا از همگی شما دارم. فقط برایم دعا بکنید و نماز شب اول قبر را حتما به جا آورید. مقدار پولی هم که دارم اگر سال به آن خورد که روز ۱۵ شعبان می‌باشد به مسجد حضرت علی (ع) و مابقی را برای دفن و خرج تشییع جنازه و یا اموری که خود بهتر می‌دانید مصرف کنید و اجناس و لوازم مرا اگر از نظر شما مانعی نداشته باشد به مستحق ببخشید. اگر پشت سر کسی غیبت کرده‌ام ببخشید و مرا حلال کنید و قبل از تشییع جنازه پیکر مرا با همان حالت به مسجد حضرت علی و مسجد مطهری ببرید و از در خانه اگر ممکن بود عبور دهید تا این افراد گمراه متوجه مرگ بشوند و توبه کنند که خدا توبه‌کنندگان را دوست دارد.

شمس‌الدین حبیب جولاغری



تاریخ تولد: ۲۶ آذر ۱۳۴۳
محل تولد: خمین، مرکزی
تحصیلات: دانشجوی دانشکده صنعت
نفت آبادان، خوزستان
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۴ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: کربلای ۵، شلمچه
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى إذا أثختتموهم فشدوا الوثاق فإما منا بعد و إما فداء حتى تضع الحرب أوزارها ذلك و لو يشاء الله لاتتصر منهم و لكن ليبلو بعضكم ببعض و الذين قتلوا في سبيل الله فلن يضل أعمالهم. (سورة محمد (ص) آیه ۴)

"شما مؤمنان چون (در میدان جنگ) با کافران رو به رو شوید باید (شجاعانه) آن‌ها را گردن زنید تا آن‌گاه که از خونریزی بسیار دشمن را از پا در آوردید پس از آن، اسیران جنگ را محکم به بند کشید که بعداً یا بر آن‌ها منت نهید (و آن‌ها را آزاد گردانید) یا فدا گیرید تا در نتیجه جنگ سختی‌های خود را فروگذارد. این حکم فعلی است، و اگر خدا بخواهد خود از کافران انتقام می‌کشد (و همه را بی‌زحمت جنگ شما هلاک می‌کند) ولیکن (با این جنگ کفر و ایمان) می‌خواهد شما را به یکدیگر امتحان کند، و آنان که در راه خدا کشته شدند خدا هرگز اعمالشان را ضایع نگرداند."

ستایش خدای یکتایی که جانم و جان هر موجود زنده‌ای در دست اوست و اوست پروردگار و حیات‌بخش کالبدهای مرده که اگر لحظه‌ای نظر رحمت و کرم از او قطع شود هستی و زندگی همه موجودات آن چنان

از هم پاشیده می‌شود که دیگر هیچ گونه آثاری از همه آن‌ها باقی نخواهد ماند. ای خدای من، ای حیات‌بخش زندگی‌ها و ای سرچشمه همه عشق‌ها و طراوت‌های پاک کجایی؟ چرا نظر لطفی بر ما نمی‌افکنی و چرا این دل سرگردان ما را آرام نمی‌بخشی، من را دریاب. معبودا تو خود می‌دانی که من دیگر خسته شده‌ام تا کی می‌توانم از تو دور باشم من را لحظه‌ای به خود وامگذار. دیگر زندگی در این قفس تنگ تن برایم خسته کننده شده و جانم به لب رسیده است. خدایا نظری کن و این روح و قلب آلوده بنده ناچیزت را پاک گردان و به طرف خود بخوان. آخر تا کی چشم هر سو را ببیند و دل هر که را بخواهد و زبان چیزی را بگوید که دست و پا به آن عمل نکند و دل نخواهد. خدایا از تو می‌خواهم که بتوانم نیروی شیطانی یعنی نفس اماره را ادب کنم که این نفس است که می‌خواهد من را از راه تو خارج سازد و من را از راه راست خارج بسازد. می‌خواهم که این نفس سرکش را تا سر حد نابودی از بین ببرم و به جای آن نفس لوامه که نفسی سرزنش کننده و هدایت‌گر است را جایگزین گردانم و تا آن جا که در توان دارم قدم را به طرف نفس مطمئنه سوق دهم اما بدون کمک

در کربلا جاری شد و هنوز در کربلاهای ایران و دیگر کشورها جاریست، از گناهان ما در گذر و قلم عفو بر طومار یکسره گناه زندگی مان بکش.

با سلام و درود بی کران نثار وجود پاک و پر برکت مهدی موعود(عج) و نایب بر حقش حضرت امام خمینی، این قلب تپنده اسلام در این برهه از زمان و با سلام و درود فراوان به روان پاک شهدای به خاک و خون غلتیده کربلای حسین(ع) و کربلاهای ایران و لبنان و خانواده‌های معظم شهدا و امت شهید پرور و مقاوم کربلای ایران. از خداوند منان خواهانم تا ما را به وظایفمان آشنا گرداند که اگر ما درست به تکلیفمان عمل کنیم آنگاه در برابر خدا رو سفید هستیم. ای امت عزیز و ای دوستان و همکاران گرامی و خانواده من از شما تقاضا دارم که اسلام را در این برهه از زمان که بسیار حساس است و مظلوم واقع گشته تنها نگذارید و احساس بی مسئولیتی نکنید که شما و ما همه تک تک مسئول و جوابگو هستیم. همیشه تلاش کنیم تا با معیار و ملاک زندگی کنیم و راه برویم. معیارهای خوب زندگی و حرکت را از کتب اسلامی به خصوص از قرآن و کتب احادیث و از علمای فقیه دریافت کنیم و بر طبق این معیارها قدم در راه زندگی بگذاریم

تو نمی توانم. دیگر از ظاهر سازی و سخن های به ظاهر خوب ولی در عمل نادرست خسته شده ام. می دانم که خیلی گناه کرده ام و در دریای گناه غوطه ور هستم ولی از تو تقاضای کشتی نجات توبه و پشیمانی از گناهان را در این دریای سهمناک دارم و می دانم که اگر دستم را به این کشتی برسانی دیگر خود را از این کشتی رها نخواهم کرد و خود را به ساحل حقیقت و درستی که از آن ساحل می توان در شاهراه تو قدم نهاد خواهم رسانید. پس معبودا هر چه سریع تر این آخرین کشتی نجات را به فریاد این بنده ذلیل و درمانده از هر جا را برسان و بعد در راه اولیاء خاص خود از اولین پیامبران بزرگت (حضرت ابراهیم) تا خاتم پیامبران محمد(ص) که هر آنچه ما داریم از وجود اوست و چه زیبا خود گفتی: لوالاک لما خلقت الافلاک. هر آینه محمد(ص) اگر تو نبودی من هیچ چیز را خلق نمی کردم، قرار بده. پس به حق وجود پاک پیامبر خاتم تا گریه های نیمه شب علی(ع) که سراسر عمر خود را در مظلومیت به سر برد و هیچ کس به جز اولاد پیامبر نتوانستند او را درک کنند و به حق پهلوی شکسته حضرت فاطمه زهرا(س) که پاره جگر رسول اکرم بود و به حق خون گرم حسین(ع) که

که هر کس این کار را نکند سرانجامش به پرتگاه‌های نابودی دنیوی و اخروی ختم می‌شود. در هر جا که هستیید و هر کاری که می‌کنید سعی کنید به نحو احسن انجام دهید و همیشه با یک عشق گرم به الله و امید به او به سر کار برویم و مواظب حرکات و رفتارهایمان باشیم و از این اعضا که به عنوان امانت در اختیار ماست به خوبی استفاده کنیم و خدای نکرده از آن‌ها در راه و به کار ناشایست استفاده نکنیم. از امام اُمت (نایب بر حق مهدی صاحب الزمان (عج)) این اسوه مقاومت در برابر مصائب پیروی کنید و او را تنها نگذارید و بعد همیشه با روحانیت مبارز در ارتباط باشید و خود را از صحنه روزگار، مملکت، سیاست و غیره کنار نگذارید. به شدت به حساب و کتاب کارهای خود برسید و هر شامگاه مروری بر اعمال روزانه تان داشته باشید و دیگر این که جنگ را از یاد نبرید و مداوم به جبهه‌های حق علیه باطل چه از نظر مالی و چه از نظر انسانی و جانی کمک کنید که تا ان شاء الله دنباله این جنگ به دامن اسرائیل غاصب بکشد و پس از نابودی صدام ملعون به سراغ اسرائیل برویم و قدس عزیز را از چنگال این خونخواران آزاد کنیم و دیگر صحبت من چند کلامی گفتگو با دوستان و

دانشجویان گرامی و اساتید محترم است و بدون حاشیه اصل کلام من این است که در راه پیشرفت تان در راه علم، خدای نکرده پروردگار و اسلام را از یاد مبرید که اگر این مسئله را جدی نگیرید، دیگر آن روز، روز تباهی شما است. علم را به عنوان هدف اصلی قرار ندهید که سخت در اشتباهید، از علم به عنوان ابزار و موتوری که می‌تواند انسان را در راهش تا رسیدن به هدف نهایی که همان الله است سریع‌تر به پیش ببرد استفاده کنید. هیچ‌وقت به این علم اندک خود مغرور نشوید و کارها و ظاهر خود را با کسب علم از چهارچوب اسلامی خارج نسازید. درس‌هایتان را به نحو احسن بخوانید و یاد بگیرید و از آن در راه رضای خدا و خدمت به خلق که رضای خدا در آن می‌باشد، استفاده کنید در کنار این کتاب‌ها همیشه به کتاب مقدس و این معجزه الهی یعنی قرآن توجه داشته باشید و از دعاها فاصله نگیرید. که ما هرچه داریم از همین دعاها و گریه کردن‌هاست و احساس عجز در برابر خالقمان است. اگر از این که چند صبحی در کنار دوستان عزیز و گرامی ام بودم و رنجش به آن‌ها دادم و از این که نتوانستم حق دوستی و برادری را در حق‌شان به جا بیاورم شدیداً پوزش می‌طلبم.

امیدوارم که همگان در کارها و درس هایتان موفق باشید.
حال چند کلامی با خانواده‌ام؛

ای پدر و مادر محترم و گرامی‌ام از این که نتوانستم همیشه برای شما یک اولاد خوبی باشم و فرمان‌های شما را به خوبی اطاعت کنم، خیلی شرمندهام اما دیگر چه کنم که اجل مهلت نداد تا بمانم و اندکی از زحمتهای شما را جبران کنم. امیدوارم که من را ببخشید و طلب عفو اول از خدا و دوم از شما دارم. از خدا می‌خواهم که یک صبر عظیم به شما عنایت بفرماید و از خداوند یکتا طلب مغفرت و گشایش در کارهایتان را دارم.

از تمام برادران و خواهران گرامی‌ام که یک عمر در کنار آنها بودم و نتوانستم حق برادری را در حقشان به جا بیاورم پوزش می‌طلبم. امید از خدا دارم که شماها و هم من را ببخشد.

از تمام فامیل طلب مغفرت دارم. دیگر عرضی ندارم همه‌تان را به خداوند منان می‌سپارم.

پیامبر خدا صلوات الله علیه وآله فرمود:

بالاتر از هر کار خیری، خیر و نیکی دیگری است
تا آن‌که فردی در راه خدا کشته شود، و بالاتر از
کشته شدن در راه خدا خیر و نیکی نیست.

وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حدیث ۲۱

شهید عبدالکریم جحانگرد اهوازمر



تاریخ تولد: ۱۵ مهر ۱۳۴۲
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۶ بهمن ۱۳۶۶
محل شهادت: ماهوت عراق
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

آنان که به هزاران دلیل زندگی می‌کنند، نمی‌توانند به یک دلیل بمیرند و آنان که به یک دلیل زندگی می‌کنند با همان دلیل نیز می‌میرند.

بعد از یک عمر گناه، حال باید در یک آزمایش الهی آماده سفر مرگ شویم بعد از یک عمر معصیت حال باید افسوس یک عمر خطا را بخوریم. بعد از یک عمر خنده حال باید نشست و بر یک عمر اشتباه رفتن و نفهمیدن گریست. دیگر جای خنده نیست آخر دلیلی برای خندیدن نیست آخر در کجای دنیا انسانی که بین بهشت و جهنم در رفت و آمد است، خود را به خندیدن خوشحال می‌کند.

چه عجیب است داستان آدمی که می‌داند بعد از مرگ او را بازخواست می‌کنند، اما بی‌خیال در یک زندگی راحت روز را به معصیت می‌گذراند و شب آسوده همراه شیفتگان رویاها به خواب می‌رود.

بعد از یک عمر حساب نکردن حال باید حساب پس داد. دیگر چاره‌ای جز گریه نیست. گریه به حال خویش و افسوس گذشته‌هایی که دیگر به عقب برنمی‌گردد و سلاحی به جز گریه و دعا نداریم و بگوییم که خدایا با عفو با ما رفتار کن نه با عدلت. خدایا با این که عظمت و

رحمانیت و بزرگی تو را در تمام اوقات می‌دیدم اما باز هم آن‌طور که باید و شاید تو را عبادت نکردم. خداوندا در گرفتاری‌ها یار و یاورم بودی. در خوشحالی‌ها ایم مونسیم بودی ولی فقط در گرفتاری‌ها تو را یاد می‌کردم. خدایا در گرفتاری‌ها صبر عطا می‌کردی ولی بدان پی نبرده بودم. خداوندا شکر و سپاس تو راست که همیشه در زندگی‌ام بودی و هستی. خدایا در زندگی هیچ بودم بزرگم کردی. عزت به من دادی. چگونه زیستن و چگونه با مشکلات روبه‌رو شدن را به من آموختی خدایا نمی‌دانم نعمت‌هایی که به من عطا نموده‌ای چگونه شکرشان را به جا آورم. می‌دانم توانایی‌اش را ندارم. خدایا من حقیر امیدم فقط به رحمانیت توست. پروردگارا من مسکین، امیدم فقط به توست و معبودا اگر در آتش جهنم مرا بیفکنی، می‌دانم لایق آن بوده‌ام. خدایا از خانه از پدر از مادر از برادر از خواهر از دوست از زندگی از همه چیز بریدم فقط به خاطر تو. پس حاضرم در آتش جهنم مرا بسوزانی فقط از من راضی باشی. خدایا این جان ناقابل را از من حقیر بپذیر. خدایا هیچ چیز ندارم که اعطا کنم فقط می‌توانم این جان را به صاحب اصلی آن که تو باشی اهدا نمایم. پس بپذیر این خون را از بنده حقیرت.

ناراحت شدم. پس از تو می‌خواهم که به بزرگی خودت مرا ببخشی و شیرت را بر من حلال کنی. مادرم پس از مردنم وصیتی به شما دارم و آن این است که با صدای بلند بگویی خدایا این فرزند را نثارت کردم پس بپذیر این فرزند را از من. مادرم اگر می‌خواهی موجب شادی روحم شوی حتما این را جلوی مردم بگو و اگر می‌خواستی گریه کنی بر امام حسین و ابوالفضل العباس گریه کن.

پدرم، همیشه خدا را در نظر داشته باش و نمازت را در مسجد بخوان و شما برادر عزیزم همیشه حامی امام و انقلاب باشید که بعد از من وظیفه شما و امثال شما سنگین‌تر خواهد شد و شما خواهران گرامی از شما می‌خواهم که حجابتان ضربه محکمی به دهان یاهوگویان باشد. در اعمالتان خدا را شاهد بگیرید و در سختی‌ها همیشه خدا را به یاد داشته باشید. از همه حلالیت می‌طلبم و التماس دعا دارم. امام را دعا کنید.

باسلام به رهبر کبیر انقلاب و با درود به روان پاک شهدا. رهبر عزیز می‌دانم پیشوا و رهبر شیعیان جهان تو هستی ولی کوردلان هنوز بدین پی نبرده‌اند. خدا را شکر می‌کنم که این شناخت را به من داد تا در راه اسلام خونم ریخته شود.

ای کسانی که خود را شیعه علی^(ع) می‌دانید این موهبت الهی را در برگیرید، نگذارید با مردنی ناآگاهانه از این دنیا بروید که شهدا جلویتان را خواهند گرفت. پس از حالا خود را برای جوابگویی آماده سازید که وقت درنگ نیست. از همه می‌خواهم امام را تنها نگذارند و در تمامی مراحل حامی او باشند و سخنی با دوستان و آشنایان عزیز دارم عزیزان هیچ وقت از رحمت خداوند ناامید نشوید که رحمانیت خدا بی‌اندازه است.

اگر در این عمری که سپری شد کسی را از خود رنجانده‌ام به بزرگی‌تان حقیر را ببخشید که سخت نیازمندم. از خداوند متعال خواهانم که همگی ما را به راه اسلام هدایت فرماید و سخنی نیز با خانواده گرامی.

ای مادرم، ای نور چشمانم، ای تمام وجودم ای که رنج‌ها برایم کشیدی. می‌دانم که در زندگی حق فرزندی که گردنم بود ادا نکردم. زیاد تو را اذیت کردم و از من

حضرت عالم‌علیه السلام فرمود:

مرگ، با شتاب و تعقیب کننده است (همه را دریابد)
نه ماندگان از دست برهند و نه فراریان او را بازدارند،
گرامی‌ترین مرگ، کشته شدن است.

نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳

شمس‌الدین علم‌الکبر خوشدین و نسر فراهانسر



تاریخ تولد: ۲۱ فروردین ۱۳۴۱
محل تولد: اراک، مرکزی
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۲
محل شهادت: جزیره مجنون، منطقه
عملیاتی خیبر
محل خدمت: امور صندوق های بازنشستگی

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و امت شهیدپرور ایران.

من در این راه قدم برداشتم نه برای این که شهید شوم و به ملکوت اعلا پیوندم. فقط و فقط برای دفاع از شرف و حیثیت اسلام و قرآن است. ما وارد خاک عراق نشدیم که فقط مقداری خاک و زمین نا قابل را به دست آوریم، بلکه از آن صدر اسلام که پیامبر برای ترویج دین مبین اسلام کوشش و تلاش کرد ما نیز در راهی طولانی قدم می‌گذاریم تا با یاری خدا و فرماندهی امام زمان (عج) پرچم خونین اسلام را در تمامی جهان برافراشته کنیم. ما جهاد می‌کنیم نه این که شهید می‌شویم و اجر و پاداش آن را در آخرت ببریم، بلکه برای از میان برداشتن کفار، منافقین، قاسطین مارقین و ناکتین و امثال این دشمنان بی‌خبر از خدا و آخرت و معاد و ظهور امام زمان (عج) نابود کردن دشمنان اسلام، ابر قدرت‌های کوردل و نادان. ما به دانشگاهی قدم گذاشته‌ایم که در ثبت نام آن از حسین فهمیده‌های سیزده ساله تا حبیب مظاهرهایی نود ساله شرکت می‌کنند.

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون.

گمان مبر آنان را که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده‌اند. پس اطاعت از امام واجب شرعی بر هر فرد حزب‌اللهی است. حرف امام زمان (عج) را از جان و دل گوش کنید.

حضور پدر و مادر عزیزم سلام عرض می‌کنم امیدوارم که سلامت و مؤید باشید. مبادا اگر من شهید شدم و به کاروان شهدای اسلام پیوستم گریه کنید. اسلام شهدای زیادی داده است و باید این درخت مطهر با خون من و امثال من آبیاری شود و با این کار راه بسته کربلا باز می‌شود و دوباره یاد و نام و کاروان حسین (ع) زنده می‌شود. چگونه امام حسین (ع) با هفتاد و دو تن یاران خود در مقابل زور و جور رژیم یزید ایستادگی کرد و تن به ظلم نداد و حاضر شد خون یارانش ریخته شود ولی اسلام از بین نرود.

من در دانشگاه شهادت ثبت نام کردم و با درجه شهادت از این دانشگاه فارغ‌التحصیل خواهم شد و یاد گرفتم چگونه باید ایثار کرد و از خود گذشت این همان آرزوی دیرینه تمامی حزب‌الله است. این کار جز شهادت و خون دادن چیز دیگری نیست.

و اما نصیحتی به خواهران صفیه و اعظم داریم: حجابی فاطمه‌گونه و صبری زینب‌وار داشته باشید.

کنید. تا امت حزب الله و دعاهاى كمیل و توسل زنده و پابرجا بماند، همیشه به بهشت زهرا این میعادگاه شهدای انقلاب اسلامی بیايید. تا با این کار خود یاد و نام آن‌ها را زنده و روحشان را شاد کنید. وصیت‌نامه خود را با این سوره تمام می‌کنم:

والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر.

ای مادر عزیزم مبادا سر قبر من گریه و زاری کنی. تو مانند حضرت لیلا، هستی که علی اکبر و قاسم و اصغر شش‌ماهه می‌دهد آن هم با لبان تشنه و خشک که تمامی این‌ها در راه خدا است. یا حضرت زینب کبری که برادرش امام حسین و فرزندان‌ش را می‌دهد.

حال نصیحتی به برادران عزیزم سعید و فرهاد دارم و از آن‌ها می‌خواهم که دنبال راه شهدای اسلام باشند و با درس خواندن، جبهه مدرسه را پایدار نگه دارند و در فعالیت‌های مذهبی و سیاسی شرکت کنند.

اما سفارشی به برادران دینی خود می‌کنم مخصوصا برادران پاسدار و بسیجی که همیشه با اخلاق و خلق و خوی خود نمونه یک فرد حزب‌اللهی باشند. چون آن‌ها در نهادی خدمت می‌کنند که از هر لحاظ، وسعتی به عظمت اسلام را باید در خود ببینند و مسجدها را باید با برپا کردن نمازهای جماعت پایدار نگه داشت. نماز جمعه و دعاهاى كمیل و توسل را نباید از یاد برد و آن را همیشه باید برپا داشت. مبادا لحظه‌ای از این کار غفلت شود.

اما در مورد این که وقتی جسد خونبار من به دست شما رسید، در نماز جمعه این میعادگاه عاشقان الله تشییع

پیامبر خدا صلوات الله علیه وآله فرمود:

قسم به آن که جانم به دست اوست (اگر نبود این که جمعی از مومنین دوست ندارند) دوست داشتم که در راه خدا نه یک بار و دوبار، که چندین بار زنده گشته و بار دیگر کشته گردم.

صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۱، باب تمنی الشهاده

شهریار محسن ریحا پخترا



تاریخ تولد: ۱۰ شهریور ۱۳۴۰
محل تولد: تهران
تحصیلات: دانشجوی دانشکده صنعت
نفت آبادان، خوزستان
وضع تاهل: متاهل
تعداد فرزند: یک دختر
تاریخ شهادت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۱
محل شهادت: خرمشهر
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

من کان یرید حرث الآخرة نزد له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنيا نؤته منها و ما له فی الآخرة من نصیب. (سوره الشوری، آیه ۲۰)

"کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم ولی در آخرت او را نصیبی نیست."

همان‌طور که از این آیه شریفه برداشت می‌شود (و با توجه به آیات دیگر) خداوند تبارک و تعالی، تعیین سرنوشت هر فرد را به عهده خود او گذاشته است. به این ترتیب که در یک چهارچوب معین قضا و قدر شخص می‌تواند راه راست یا راه کج را، حتی آخرت یا دنیا و بالاخره راه حق یا راه باطل بپیماید که مسلماً انتها و سرانجام این راه‌ها یکی نیست.

اینجانب "محسن ریحانچی" فرزند محمدعلی با آگاهی و درایت کامل در شناخت و انتخاب راهم و با هدف و آرزوی رسیدن به لقاءالله، شیوه اول (آخرت) را برگزیدم و امیدوارم که خداوند کریم، سعادت درست گام زدن در این راه مقدس و عمل صالح را نصیب این بنده ناچیز و گنه‌کار خود عطا فرموده باشد و توانسته باشم قدمی مثبت در راه اسلام و کمک به مستضعفین بردارم.

همان‌گونه که در روایات و کتب اسلامی آمده است. فعالیت در راه خدا، جهاد و سنگر دفاع از دین مبین و سعادت بخش اسلام تنها در جبهه و اسلحه به دست گرفتن نیست. مثلاً داریم که "مداد العلماء افضل من دماء شهداء" "قلم نویسندگان و عالمان برتر از خون شهیدان است" و یا "الکاد علی عیاله من حل کالمجاهد فی سبیل الله" "کسی که از راه حلال برای تامین رفاه خانواده‌اش تلاش می‌کند همچون مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند" و نیز آمده است که اگر طالب علم واقعا انگیزه‌اش حقیقت‌جویی و خدمت و تقرب به خدا باشد و علم را وسیله مطامع خود قرار ندهد و در این حین از دنیا برود شهید از دنیا رفته است.

بنابراین گمان می‌کنم که هر کس در هر جایی و در هر موقعیتی که هست، می‌تواند جهاد کند و همانند یک شهید از دنیا برود. البته با این شرط که همه اعمالش در راه خدا و برای رضای خدا (قریه الی الله) باشد. نیز اهمیت حفاظت و پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک و معنوی اسلام را نباید از نظر دور داشت چون مهم‌ترین هدف استعمارگران و فریب‌خوردگان شیطان، خالی کردن اسلام از محتوی است این همان روشی است که

به وسیله آن توانسته بودند سال‌های سال ما را از خدا و اسلام و انسانیت دور سازند و به خوشی‌ها و راحتی‌های زودگذر و این دنیا مشغول نمایند. اینک با طلوع مجدد خورشید تابان اسلام که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری قائد بزرگوار امام خمینی آغاز شده، بار دیگر مستضعفین جهان امید دیگری یافته‌اند تا شاید به کمک آن بتوانند از زیر سلطه نوکران دو ابر قدرت شرق و غرب به درآیند، وعده خداوند وهاب را که همانا خلافت و وراثت صالحان و مستضعفین بر روی زمین عملی سازند. و ان شاء الله که هر چه زودتر این انقلاب عظیم اسلامی به انقلاب جهانی منجی انسان‌ها حضرت مهدی (عج) متصل بشود و چشم منتظرانش به جمالش روشن گردد.

اولین و مهم‌ترین سفارش و وصیت من به همه دوستان و فامیل و هر کس دیگر که این متن را می‌خواند یا می‌شنود این است که هر کاری را برای خدا انجام دهید و به یاد داشته باشید که او حتی بر کوچک‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین اعمال ما ناظر و تواناست و مطمئن باشند که با در پیش گرفتن این روش هیچ ضرری نخواهید کرد و یقیناً سعادت هر دو جهان نصیب‌تان خواهد شد. سفارش دیگرم این است که دستورات آگاهانه معروف

امام بزرگوارمان خمینی بت‌شکن را حتماً انجام دهید، نیز در پیش گرفتن این عادات و اعمال که تیتروار به عرض می‌رسانم جزو آخرین گفتنی‌هایم می‌باشد، زود قضاوت نکردن، گذشت و چشم پوشی (البته در حد اسلامی) سعی در بالا بردن طاقت و توانایی، ساده بودن (در لباس، غذا، وسایل زندگی و به طور کلی در اعمال روزمره)، نماز اول وقت خواندن و خود را به خصلت‌ها و روش‌های ائمه اطهار^(ع) در همه زمینه‌ها عادت دادن و ... در پایان سفارش‌هایم، دوست دارم که پس از شنیدن خبر از دنیا رفتن من (و اگر خدا قبول کند که به شهادت رسیدم) حالت عادی خود را حفظ کنید. از به کار بردن لفظ ناکام در مورد من خودداری کنید چون ان شاء الله به کام واقعی و الهی خود در آن دنیا خواهیم رسید در برگزاری مراسم ختم نهایت سادگی و صرفه‌جویی را به کار ببرید. در رابطه با گریه، اخلاق اسلامی را فراموش نفرمایید.

با آرزوی موفقیت و سعادت همه شما و با طلب آمرزش از خداوند کریم برای بندگان صالحش همه را به او می‌سپارم و امیدوارم که با سعی کردن در انجام وصیت‌های این بنده پر گناه باعث شادی روحم شوید.

حضرت علی‌علیه السلام فرمود:

خدایا، ای پروردگار آسمان برافراشته... اگر ما را بر دشمنان پیروز گرداندی، از ستم و تجاوز دورمان دار و بر حق استوارمان گردان و اگر دشمنان بر ما پیروز شدند، شهادت را روزیمان فرما و از فتنه بازمان دار.

نهج البلاغه، خطبه ۱۷۰

شهادت نادر شفقت



تاریخ تولد: ۲۵ دی ۱۳۴۳
محل تولد: تهران
تحصیلات: لیسانس
دانشگاه شهید بهشتی تهران
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۹ مرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: منطقه عملیاتی شیلر، بانه
محل خدمت: ادارات مرکزی، گزینش

حضرت ولی عصر (عج) ارواحنا له الفداء و نایب بر حقش امام خمینی این اسوه زمان، امامی که فریادش فریاد جهان‌خواران را در سینه‌هایشان خفه کرده و می‌کند و با درود و سلام بر شهدای اسلام که با نثار خون درخت پر صلابت اسلام را آبیاری نمودند و با درود و سلام بر رزمندگان اسلام این شاهدان زنده تاریخ که با رزم و ایثار و جهادشان همواره فتح و نصرت خداوند را برای امام و امت امام به ارمغان می‌آورند و با درود و سلام به جانبازان، مجروحین، معلولین و اسرای جنگ تحمیلی. در آغاز از همه شما به خاطر بدی‌ها و اشتباهاتی که در دنیا داشته‌ام پوزش می‌طلبم و امیدوارم که به جای کند و کاو در زندگی پر از اشتباه و گناه من، در زندگی ائمه و اطهار و آیات عظام و دیگر شهیدان به‌دازید. قبل از هر چیز باید بدانید که من فقط با کسانی دوست بوده‌ام که به اسلام، امام امت و راه امام عشق می‌ورزیدند و با غیر این افراد ممکن است رفت و آمد داشته و یا دوست بودم ولی هدف اصلاح آن‌ها بود و آنان نیز تا این چنین نشده‌اند، حق ندارند که بر سر قبرم حاضر شده و برایم گریه کنند و حتی حق بردن نام مرا نیز ندارند (حتی آشنایان و فامیل).

به نام آن که ما را نام بخشید
زبان را در فصاحت کام بخشید
به نام آن که هستی، نام از او یافت
فلک جنبش زمین آرام از او یافت

یارب دل ما را تو به رحمت جان ده
درد همه را به صابری درمان ده
این بنده چه داند که چه می‌باید جست
داننده تویی هر آنچه دانی آن ده

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدلوا تبدیلاً.
(سوره احزاب، آیه ۲۳)

"بعضی از آن مومنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی خود که با خدای خود بسته‌اند کاملاً وفا کردند و بعضی هم بر آن عهد، ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند."

با درود و سلام به پیشگاه یگانه منجی عالم بشریت

ناقابل را که در راه ولایت فقیه داده‌ای قبول فرماید و امیدوارم که خداوند توفیقت دهد که همیشه صبور باشی تا دیگران نیز از شما سرمشق بگیرند و همیشه با دل شکسته و با تعهد به اسلام از خداوند نابودی دشمنان اسلام را خواهان باش و هر وقت که به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی به یاد کربلای حسین (ع) باش که برای پابرجا ماندن اسلام جان خود و عزیزانش را تقدیم حق تعالی نمود.

پدرم

مرا ببخش که لیاقت فرزندیت را نداشتم و نتوانستم که حق فرزندی را ادا نمایم. از خداوند برای شما طلب صبر می‌کنم و امیدوارم که در مرگ من صبر را پیشه کنی و مبدا به خاطر از دست دادن من منتی بر سر دیگران گذاری و از انقلاب انتظاری داشته باشی و همیشه این آیه را زمزمه کن که "انا لله و انا الیه راجعون".

برادران عزیزم

اگرچه دنیا زیباست و دوست داشتنی و انسان را به طرف خودش می‌کشد اما خانه آخرت خیلی از دنیا زیباتر است

پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزم از همه شما طلب حلالیت می‌کنم و از شما طلب بخشش می‌کنم که اگر چنانچه در طول زندگی‌ام اشتباهاتی و ناراحتی‌هایی را برای شما ایجاد کرده باشم، شما مرا به بزرگواری خودتان ببخشید. ای پدر و مادر من هیچ‌گاه چنان فکر نکنید که به اجبار یا به‌طور دیگری به جبهه رفته‌ام بلکه هدفم فی سبیل‌الله بوده، برای اسلام بوده و برای یاری به دین محمد (ص) بوده است. به شما سفارش می‌کنم که هیچ‌وقت سر تسلیم به دشمنان اسلام فرود نیاورید و در برابر دشمنان اسلام خشمگین باشید و بدانید که من این راه را با چشمی باز و آگاهی کامل انتخاب کرده‌ام.

و ای مادر

از شهید شدن من ناراحت و افسرده نباشید، مگر جز این است که با شهادت در راه خدا و اسلام به بهشت خواهیم رفت و هیچ‌وقت ناراحتی را به خودت راه مده و گریه مکن که گریه تو باعث شادی دشمنان دین خدا خواهد بود و امیدوارم که بعد از من در موقع عبادات، از خداوند برایم طلب بخشش کرده و از خداوند بخواهی که شهیدی که برای پیروز شدن انقلاب اسلامی داده‌ای و این قربانی

و آخرت را با جان و دل بپذیرید و به شما توصیه می‌کنم که از اسلام و امام آگاه که تا به حال اسلام را به این مرحله رسانده حمایت کنید.

خواهر عزیزم

می‌دانی که چقدر دوستت دارم امیدوارم که همچون زینب(س) غمخوار اسلام و عزیزان اسلام باشی و در زندگی خود را محدود به یک سری مسائل جزئی نکنی و امیدوارم که فرزندت را طوری بسازی و طوری تربیت کنی که دنیای اسلام را آباد کند و مایه افتخار مسلمین باشد و قلبش برای اسلام بتپد.

دوستان و آشنایان و برادرانم وحدت را حفظ کنید و امام امت این هدیه الهی را تنها مگذارید. مرا به بزرگواری خودتان حلال کنید و در نمازها و دعاها و راز و نیازهای شبانه‌تان این بنده حقیر را نیز دعا کنید و از خداوند برایم طلب مغفرت کنید و در شهادتم خوشحال باشید و به جای تسلیت به خانواده‌ام تبریک بگویید، زیرا که من به آرزوی دیرینه خود رسیدم و وقتی که مرا از تابوتم برمی‌دارید و در خاک می‌سپارید برایم گریه نکنید و به

خانواده‌ام تبریک عرض کنید و اگر توانستید و برایتان مقدور بود اسلحه از دست افتاده‌ام را برداشته و راهم را ادامه دهید.

بارخدا! این قطره خون ناچیز و ناقابل مرا در راه گسترش اسلام از جان و دل بپذیر و اگر این ارزش را داشته باشم که این قطرات خون ناقابل که در راه مکتب ریخته شود و اسلام به پیش رود هزارها بار به من جان ده تا در راه تو مبارزه کرده و به شهادت برسم و از خداوند بزرگ می‌خواهم که مرا یاری کند تا در راه او قدم بردارم و تمام هستیم او باشد تا در این راه که می‌روم هر گلوله یا ترکش که بر تنم می‌خورد، به یاد الله تحمل کنم.

امیدوارم که بعد از رسیدن این وصیت‌نامه به دست شما هرچه زودتر برنامه ازدواج برادر عزیزم مجید را برقرار کنید چون در اسلام هم شهادت و هم ازدواج سیرت پیغمبری است.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست.

شمس‌الدین شیرینزاد



با سلام به پیشگاه مبارک منجی عالم بشریت تنها بازمانده از خاندان رسالت، امام برحق و صاحب عصر و زمان حضرت حجه بن الحسن ارواحنا له الفداء و با سلام بر نایب برحق و پیر جماران، امید مستضعفان، در هم کوبنده کاخ ظالمان، امام امت مدظله العالی و با سلام به روان پر فتوح و پاک شهیدان از یاسر تا حاضر و با سلام به تمام شیرمردان جبهه‌های حق علیه باطل و راهیان کربلای حسین علیه السلام و با سلام بر امت شهیدپرور و شهید داده و با سلام به تمامی یاوران و خدمتگزاران صدیق امام که مانند کوه استوار، در مقابل تمامی مصائب و مشکلات ایستادگی نموده و تا این جا مرا رساندند و با سلام به برادران و خواهرانم و با سلام به کلیه اقوام و دوستان.

پدر و مادر عزیز و گرمی واقعا شرمنده‌ام که نتوانستم و نخواهم توانست که مقداری از زحمات شما را حتی به مقدار یک سر سوزن جبران نمایم. از مادر گرمی‌ام که از جانم بیشتر دوستش دارم، می‌خواهم که اگر چه من بچه خوبی برای او نبودم ما را به بزرگی خودشان و یا به بزرگی و مظلومی حضرت زهرا(س) ببخشند و حلال نماید و از پدر گرمی و عزیزم هم می‌خواهم که اگر خطایی از

من سر زده، به بزرگی خودشان من را، این بنده ضعیف و گنه‌کار را ببخشند و در آخرت مرا رو سفید بگردانند و از پدر و مادرم می‌خواهم که این بنده خطاکار را دعا کنند که دعای پدر و مادر خود حسناتی است که در حق فرزند کرده‌اند.

از پدر و مادرم می‌خواهم که اگر خداوند سبحان شهادت را نصیب این بنده حقیر کرد در مقابل شهادت من نه تنها غم و اندوه به خود راه ندهید و در مقابل مردم و امت حزب‌الله اشک مریزید بلکه استوارتر از قبل در مقابل دشمنان بایستید و اگر هم خواستید گریه کنید برای علی‌اکبر حسین(ع) گریه کنید و مبادا به خاطر شهادتی که خدای عزوجل به من گنه‌کار و معصیت‌کار عطا فرمود، از امام عزیز و انقلاب‌مان دلسرد شوید بلکه امام عزیز را دعا کنید و از پدر و مادرم می‌خواهم که وقتی به شهادت رسیدم مرا در کنار دیگر برادران به خون خفته در بهشت‌زهرا دفن نمایند و اگر برایتان مقدور بود برایم دو سال نماز و روزه بگیرید و برای این بنده معصیت‌کار طلب آموزش بفرمایید.

برادران عزیزم از شما می‌خواهم حسین‌گونه که وارد میدان شدید حسین‌گونه هم از میدان بروید و امام عزیز

را هیچ وقت و در هیچ شرایطی تنها مگذارید و اسلحه خونینم را از زمین بردارید و تا نابودی دشمن بعثی صهیونیستی بجنگید و آن‌ها را از صفحه روزگار محو بفرمایید.

و از خواهران عزیزم می‌خواهم همان گونه که حجاب خویش را حفظ کردند، حفظ کنند و زینب وار مصائب زندگی و انقلاب را تحمل کنند و با حجاب خود مشت محکمی بر دهان تمام ابرقدرت‌ها و ابرجنایت‌کارها بزنند و امام عزیز را یاری کنند و همیشه در صحنه باشند.

و در آخر از تمامی دوستان و آشنایان طلب عفو و آمرزش می‌نمایم و می‌گویم که من این راه را که سعادت دنیوی و آخرت در آن می‌باشد، شناختم و بعد قدم برداشتم. به آن‌ها می‌گویم در کنار اندیشیدن به مادیات لحظه‌ای هم به روز رستاخیز فکر کنند و با خود بیندیشند و ببینند که برای آنجا چه کرده‌اند؟ آیا چیزی دارند یا ندارند؟ الان که شما این وصیت‌نامه را می‌خوانید یا می‌شنوید ممکن است جنازه من در زیر خروارها خاک مدفون باشد و یا در بیابان افتاده باشد ولی بی‌شک شما هم دیر یا زود به سرنوشت من دچار می‌شوید.

از شما می‌خواهم که نماز را به پا دارید و آن را سبک نشمایید که امام حسین (ع) هم برای نماز کشته شد. مرا غسل ندهید و کفن نپوشانید چون من شهادت را از مولایم حسین بن علی (ع) آموختم که او نه کفن داشت و نه غسلی و من دوست دارم با همان لباس‌های خونین به دیدار معشوق خود بروم زیرا که سعادت در آن است که در روز آخرت با تن و لباسی گلگون به سوی معشوق خود برویم و من نمی‌خواهم که یک سری بچه‌های غرب‌زده و یا شرق‌زده به زیر نعش من بیایند و روحم را در عذاب بگذارند و در خاتمه از همه اقوام و آشنایان و دوستان طلب آمرزش و حلالیت می‌نمایم و از همه می‌خواهم که امام عزیزمان را هیچ وقت تنها مگذارند و امام و رزمندگان اسلام را دعا کنند.

پیامبر خدا صلوات الله علیه وآله فرمود:

هر کس از روی صدق شهادت را طلب کند، خداوند به او
(ثواب) آن را عطا خواهد کرد، هر چند به شهادت نرسد.

کنز المعال، ج ۴، ص ۴۲۱، حدیث ۱۱۲۱۰

شماره محمد صادق



تاریخ تولد: ۱۳۴۴
محل تولد: قریه کوهنشین، تفرش، مرکزی
تحصیلات: ابتدایی، دبستان هدایت، تفرش
وضع تاهل: متاهل
تاریخ شهادت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: شلمچه
محل خدمت: مدیریت منابع انسانی

خدایا شهادت را نصیبم کن تا بتوانم به وحدانیت تو شهادت داده باشم.

خدا را سپاس که نعمت خود را به این بنده حقیر عطا کرد که توانستم در عصری زندگی کنم که به ندای مظلومیت امام خمینی که یاری دین محمد(ص) می‌کند و به ندای "هل من ناصر ینصرنی" او لبیک گفته و بتوانم در جواب فرمایش امام حسین(ع) را بگویم که فرمود:

"إن کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی" و خدایا تو را سپاس که ما را از پیروان امت خاتم النبیین و امیرالمومنین قرار دادی. خدایا تو را سپاس که عمر مرا در این زمان در راه اطاعت خود و پیامبر و امام قرار دادی و جهاد را که مایه عزت برای بندگان قرار داده‌ای تا او را در کنار خودت قرار دهی نصیب ما کردی.

عزیزان، امیرالمومنین علی(ع) می‌فرماید: بهای جسم شما بهشت است لقای پروردگار است، این کالا را به بهایی جز بهشت نفروشید.

پدر و مادر عزیزم

از این‌که من نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم و حق فرزندی را ادا کرده باشم، از شما معذرت می‌خواهم

و از شما عاجزانه تقاضای بخشش می‌کنم. قدمی که من در این راه برداشتم با انتخاب آزادانه بود و نتیجه پرورش خوب شما بود که مرا از بچگی با تعالیم دین و اهل بیت آشنا کردید و از شما کمال تشکر را دارم که از اول مرا با قرآن و مسجد و هیات آشنا نمودید تا در خط معصیت قرار نگیرم و در آخر شما را سفارش به صبر و تقوای الهی می‌کنم و دوست دارم در غم من صبر خدا را پیشه کنید و این‌که چرا من نتوانستم در پیش شما بمانم. خدا شاهد است که دلم برای دوستان شهیدم و برادرم تنگ شده و احساس می‌کنم که دیگر نمی‌توانم در این دنیا بمانم.

برادرم فتاح

تو دیگر نیاز به نصیحت نداری. یک موضوع که می‌خواستم بگویم این است که در کارهایت فقط رضای خدا را در نظر بگیر و همیشه خود را در محضر خدا ببین و به احکام و مسائل مذهبی مقید باش و امام عزیز که عصاره تمام اولیاء و انبیاء الهی است نگذاری تنها بماند. تنهایی امام تنهایی اسلام است، تنهایی سیدالشهدا در روز عاشورا است.

خواهرم

آن هم به نام سید شهیدان حضرت اباعبدالله و سربازان
گمنام و مفقودالائرش بگیرید.

سفارش می‌کنم در کارهایت ترا به هم نامت ام‌الائمہ
حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در حفظ حجاب و تقوای
خدا را پیشه کن و سفارش می‌کنم به خواندن درس و
قرآن و کتاب‌های مذهبی.

و اینک همسر عزیزم

من خیلی دوست داشتم در زندگی مشترک‌مان خیلی
برنامه‌های خوبی داشته باشیم و زندگی که مورد رضای
خدا است داشته باشیم و حال که شهادت در راه خدا
نصیب من شده دیدار من و تو بماند در بهشت و قیامت
و قول می‌دهم که اگر شهید شدم و اگر قدرت شفاعت
داشته باشم تو را شفیع خواهم بود و سفارش می‌کنم
حتما برنامه‌هایت و کارهایت را در جهت رضای خدا
انجام دهی.

عزیزان چند نکته به عنوان وصیت؛

این که دوست ندارم در مراسم تشییع جنازه و مراسم
ختم شخص تارک‌الصلاه و ضد انقلاب و کسی که مقید
به احکام دین نباشد شرکت کند. برایم یک مجلس ختم،

حضرت علی‌علیه السلام در پایان عهدنامه خود به مالک اشتر نوشت:

من از خدا به گشایش رحمت و بزرگی قدرتش (بر آن که
هر چه بخواهد عطا می‌کند) می‌خواهم که پایان زندگی من
و تو را به نیک‌بختی و شهادت قرار دهد.

نهج البلاغه، نامه ۵۳

شهادت سید محمود طیسری



تاریخ تولد: ۱ اردیبهشت ۱۳۴۴
محل تولد: رامهرمز
تحصیلات: لیسانس
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۶ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

با سلام خدمت امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام خمینی و درود بر رزمندگان اسلام و سلام بر ارواح طیبه شهدا.

چند روزی بود که می‌خواستم وصیت‌نامه‌ای بنویسم اما وقت نمی‌شد و جداً کار دنیا تمامی ندارد حتی در این مکان مقدس که نفس کشیدن هم عبادت است، باز کارهایی است که مجال نوشتن یک وصیت‌نامه را نمی‌دهد. اما چه بگویم؟ برای که بگویم؟ آیا می‌توانم آن چه را که در سینه دارم بازگو کنم یا نه؟ از موقع شروع جنگ تا به حال شهدای ما زیاد بوده‌اند و وصیت‌نامه‌ها زیاد بوده ولی باید از خودمان بپرسیم که چند تایی آن‌ها را موفق شده‌ایم بخوانیم؟ اما دوست دارم این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و تا جایی که ممکن است سعی کنید عمل کنید. جوانان سلحشور ما که دسته دسته به جبهه آمدند و شهید شدند، آرزو داشتند که قبر شش گوشه اباعبدالله را زیارت کنند و اکثراً با این امید چشم از این دنیای فانی بستند و رفتند، جوان‌هایی که هم اکنون نیز امثال آن‌ها بسیار است و من هر وقت آن‌ها را می‌بینم و سیمای نورانی‌شان را می‌نگرم شرمنده می‌شوم و غبطه می‌خورم. حتی وقتی به یاد دوستان شهیدم می‌افتم دلم

می‌گیرد و بار سنگینی از غم روی دلم می‌آید و می‌خواهم سیر گریه کنم ولی می‌بینم گریه فایده ندارد چون آن‌ها شجاعانه جنگیدند و اینک نوبت ماست که چون آن‌ها بجنگیم و این را بگویم برادران و خواهران دینی، تکلیف ما را امام حسین (ع) معین و معلوم کرده تا جایی باید بجنگید و تا موقعی باید بجنگید که این جان در بدن هست و لاغیر.

اما در این برهه حساس از جنگ ضمن قدردانی از تمام خانواده‌های شهدا و تمامی امت اسلامی از این که صبر کرده‌اند و با قناعت جنگ را تا این جا ادامه داده‌اند، باز هم از برادران می‌خواهم که مسئله جنگ را در راس تمامی امور قرار دهند. به یاد داشته باشید که قرآن کریم درباره صابران می‌گوید که ما اجر صابران را به غیر حساب می‌دهیم و همین برای مومنین بس که مقاومت کنند و کفر را نابود کنند. یادتان باشد که تمام آن چه ما آن را عزت و قدرت می‌نامیم از سوی خداست و واسطه آن در وهله اول امام زمان (عج) و بعد مجاهدت‌های این امام بزرگوار، این بت شکن قرن، اسوه شجاعت و صبر و دلیری بوده است. پس او را تنها نگذارید و همیشه یاور او باشید تا ان شاءالله به سر منزل سعادت برسید.

نیست و جای حساب پس دادن است. از هر که طلبکارم به او می‌بخشم و آن چه را بدهکارم در وصیت‌نامه شخصی‌ام خواهم نوشت.

برادران به فکر تدارک بیفتید که چون با این وضعی که داریم نمی‌دانم که آخر عاقبت کار ما چه می‌شود و تا چقدر از سوال‌های خداوند منان را می‌توانیم پاسخ دهیم. در آخر از تمامی برادران و خواهران به هر نحوی که از من ناراحت شده‌اند جدا پوزش می‌طلبم چون به جایی می‌روم که دیگر جای عمل



پیامبر خدا صلوات الله علیه وآله فرمود:

به شهید هفت امتیاز از طرف خداوند عطا می‌شود،
اولین آن‌ها بخشیدن تمام گناهان اوست به واسطه
اولین قطره خورش.

وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹، حدیث ۲۰

شمس‌الدین حسینی و سید طیسیر



تاریخ تولد: ۲۰ فروردین ۱۳۴۶
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: دیپلم
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۳ بهمن ۱۳۶۲
محل شهادت: پاسگاه زید
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

با درود و سلام فراوان به امام امت و رهبر کبیر انقلاب و تنها یاور مظلومان جهان، امام خمینی و با درود بر امت رزمنده که پشتیبانی خود را در تمام لحظات از ولایت فقیه ثابت کرده، چند نکته را به عنوان برادر کوچکتر شما و بنده گناه کار خدا گوشزد می‌کنم. ان شاءالله که در راه و روش زندگی‌تان به درد بخورد. خواهران و برادران، خود را به تجملات و مسائل مادی نپرورانید چرا که سرانجام این راه رفتن با کوله‌باری از گناه و آخرش هم رسیدن به باطل و دور شدن از خدا است. زیاد به فکر دنیا نباشید و همچون تکه چوبی باشید که در میان اقیانوس متلاطم است و چون دنیا سرایی زودگذر است باید به فکر آخرت بود. حضرت علی^(ع) می‌گوید، دنیا خانه عبور و آخرت خانه اقامت است. امت رزمنده و شهیدپرور ایران همیشه پشتیبان ولایت فقیه و جمهوری اسلامی باشید زیرا به دست آوردن این دو مسئله برابر است با خون هزاران شهید و معلول، پس اگر پشتیبانی نکنیم در آخرت جواب خون این همه شهید را چطور بدهیم. من با نوشتن این وصیت‌نامه کوچک با دشمن زبون و دشمنان داخلی اتمام حجت می‌کنم و به خون هزارها هزار شهید قسم می‌خورم که روزی خواهد آمد و آن

روز هم زیاد دور نیست که پرچم جمهوری اسلامی را بر تمامی قله‌های ظلم و ستم برافراشته کنیم. امت رزمنده به خدا قسم رفتن ما به جبهه فرار از درس و کار و غیره نیست بلکه فرار از لجنزاری مادی و دنیایی است که در آن جز خوردن، خوابیدن و کارکردن چیز دیگری نیست و کسانی که در این راه قرار گرفته‌اند پیش خود فکر می‌کنند که آری خدا ما را دوست دارد و ما بنده شایسته خداییم. خواهر و برادر تنها راه رسیدن به خدا، انفاق کردن و نیکوکاری و جهاد در راه خداست چون همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید، انانی که چه با جان و چه با مال جهاد کنند همانا رستگاران دو عالمند. پس کمی فکر و اندیشه کنیم. آیا مرگ روزی به سراغ ما نخواهد آمد؟ پس چرا ما به سوی مرگی که در راه خدا که همانا شهادت است نرویم؟ امت حزب‌الله نماز شب را حتماً به پا دارید و دعا را فراموش نکنید چرا که دعا سلاح مؤمن است و سعی کنید تقوای خود را زیاد کنید. باید از گناهان گذشته توبه کنیم چرا که اقلاً بتوانیم رو سفید در مقابل شهدا و امام زمان سر فرود آوریم تا بتوانیم بگوییم ما راه شما که همانا راه خداست رفتیم. دیگر سرتان را درد نمی‌آورم و چند مسئله را به خانواده خود می‌گویم.

با درود و سلام فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و امت شهیدپرور ایران. من با نوشتن این وصیت‌نامه کوچک و جزئی، با دشمن کافر و مزدور اتمام حجت می‌کنم و با آغوش باز به استقبال شهادت می‌روم و شهادت دعوتی است به تمام هدایت‌شدگان در راه خدا، اینک که این وصیت را می‌نویسم فکر می‌کنم تولدی دیگر یافته‌ام. یعنی با شهادت خود و بازگشتن به سوی معبود خود زندگی دیگری پیدا می‌کنم. دوستان و هموطنان عزیز زیاد در فکر دنیا نباشید زیرا دنیا سرای زودگذر است. پس خود را از بار گناه سبک و پاک کنید. ای برادران و خواهران راه شهیدان را سرمشق زندگی خود قرار دهید تا معبودتان شما را به سرمنزل سعادت برساند تا رستگار شوید. من نمی‌دانم که با چه زبانی از شما امت رزمنده که این قدر به فکر برادران خود در جبهه‌ها هستید تشکر کنم. ای ملت عزیز پیام من به شما این است که مستحکم و با ایمانی راسخ از این انقلاب پاسداری کنید و هیچ وقت امام عزیز را تنها نگذارید و از او پیروی کنید و روحانیت این سمبل انقلاب را رها نکنید و همیار و هم‌قدم انقلاب اسلامی‌مان را به تمامی جهان صادر کنید و تا حد مقدور

پدر عزیز و مهربانی که مرا در سختی‌ها و خوشی‌های زندگی‌ات بزرگ کردی، مادر، ای کسی که شب‌هایت را برای من روز کردی، از شما می‌خواهم که در فقدان من نگرید. البته می‌دانم پدر و مادر صبورم فرزندی را که به قربانگاه فرستاده‌اند و می‌خواهند که آن را در راه خدا قربانی کنند نمی‌گیرند. این را برای آن که یادآوری شده باشد گفتم. پدر و مادر فکر نکنید که من مرده‌ام من با شهادتم تولدی دیگر پیدا می‌کنم و با خون خویش وضو می‌گیرم که با هم‌زمانم نماز به پا دارم. امیدوارم افتخار کنید که فرزندان را در راه خدا قربانی کرده‌اید. خواهران و برادران عزیزم راه و روش و خط امام که همانا راه خداست ادامه دهید و سرلوحه خود قرار دهید تا به سر منزل مقصود که آخرت است برسید. از تمام دوستان و آشنایان و تمامی کسانی که مرا می‌شناسند حلالیت می‌خواهم و اگر چیزی کسی به من داده و نگفته می‌تواند به خانواده‌ام مراجعه کند و اگر من هم از کسی چیزی می‌خواهم حلالش می‌کنم و از او می‌خواهم که آن را در راه خدا انفاق کند. انفاق کنندگان را خدا دوست دارد. اگر حرفی زده باشم که کسی ناراحت شده ان شاءالله مرا ببخشد.

شود و اصلاً دلتان برای من نسوزد و فقط دلتان برای اسلام بسوزد که در این دنیای پر کفر تنهاست.



به جبهه‌ها کمک کنید. اینک چند نکته به خانواده عزیزم، پدر عزیز و مهربان امیدوارم که در فقدان من با ایمان قوی و راسخ به کارت ادامه دهی. مادر عزیزم امیدوارم که در فقدان من نگرینی بلکه بر سر بام خانه‌مان بیرق سبز بزن و افتخار کن که چنین فرزندی را به جامعه اسلامی داده‌ای. ای خواهر تو هم زینب زمان باش و همچو زینب در سنگر حجاب به کارت ادامه ده و ای برادران عزیزم راه امام را تا آخرین لحظه ادامه دهید و سعی کنید تسکین بخش پدر و مادرم باشید. خانواده عزیز امیدوارم که افتخار کنید که فرزندی را در راه خدا قربانی کرده‌اید. خواهران و برادران مسلمان این را بدانید که تمامی ما دیر یا زود باید به سوی خدا بازگردیم و از این دنیا برویم چه بهتر که در راه خدا کشته شویم و به زندگی جاوید نائل آییم. اما پدر و مادر از تمامی دوستان و آشنایان می‌خواهم بعد از این که به شرف شهادت رسیدم بر سر مزارم دعای امام زمان را زمزمه کنید و بخوانید زیرا من عاشق امام زمانم و همیشه دوست داشتم که در رکاب او بجنگم. ان شاء الله که خانواده و دوستان و آشنایان مرا حلال کنند و از خدا برایم طلب آمرزش کنند تا بلکه کمی از گناهانم پاک

شمس‌الدین احمد رضا عطار



تاریخ تولد: ۲ آبان ۱۳۳۵

محل تولد: هفتگل

تحصیلات: دیپلم متوسطه

وضع تاهل: متاهل

تاریخ شهادت: ۴ دی ۱۳۶۵

محل شهادت: جزیره سهیل، کربلای ۴

محل خدمت: شرکت ملی مناطق

نفت خیز جنوب

خداوندا مرا ببخش و بیامرز، بارپروردگارا من در طول زندگی‌ام خیلی گناه کرده‌ام. بارم سنگین است نمی‌توانم به سویت پرواز کنم. خدایا وقتی به خود می‌نگرم و می‌بینم که پشتم خم شده از سنگینی گناه ناامید می‌شوم و می‌گویم جایگاه ابدی‌ام آتش قیامت است و از شهدا و اولیاء خدا دور خواهم بود. ولی وقتی فکر می‌کنم می‌بینم هرچه گناهانم زیاد باشد از رحمت بی‌کرات که بیشتر نیست، باز امیدوار می‌شوم. خدایا، مرا در این دریای بی‌کرات غسل ده و از تمام گناهان من بگذر و مرا با صالحان و شهدای راه حق محشور گردان. بار خدایا، تا مرا نیامرزیدی از دنیا مبر "آمین یا رب العالمین".

من به عنوان یک بنده حقیر و سراپا تقصیر از کلیه برادران و خواهران مسلمان می‌خواهم که همیشه به یاد خدا باشند و دنیا را محل موقت زندگی خود قرار بدهند و روز به روز خود را به خدا نزدیکتر کنند و واقعا این را به خود بقبولانند که دنیا فانی و محل موقتی است که انسان باید در این محل موقت و زودگذر خود را کاملا برای دنیای ابدی (آخرت) آماده سازد. برادران و خواهران؛ ما عزادار نمی‌خواهیم بلکه رهرو

می‌خواهیم. یعنی مثل کسانی نباشیم که فقط در تشییع جنازه شهدا شرکت کنیم و هیچ تحولی در خود به وجود نیاوریم. بلکه باید ضمن شرکت در تشییع جنازه شهدا و صالحان خدا، ببینیم هدف آن‌ها چه بود و خودمان آن اهداف را که اهداف الهی هستند پیاده کنیم. از کلیه خواهران و برادران مسلمان می‌خواهم که نماز را سبک نشمارند و به آن اهمیت فراوان بدهند و نماز را با تعقیبات و خلوص نیت انجام دهند. چون همان طوری که پیغمبر گرامی (ص) فرموده، برای رسیدگی به اعمالتان در آخرت ابتدا به مسأله نماز رسیدگی می‌شود و بعد سایر اعمال. من همیشه از شخص بی‌نماز و بدحجاب بیزار بودم و هستم، تا زمانی که هم نماز بخوانند و هم حجاب را به طور کامل (ظاهری و باطنی) رعایت کنند. برادران و خواهران عزیز سعی کنیم که گوش به فرمان رهبر باشیم و دنباله‌رو شهدا و صالحان خدا باشیم و سعی کنیم که همه کارهای مان برای خدا باشد، حتی خوردن و خوابیدن و حتی خشمگین شدن مان هم برای خدا باشد. یعنی از کسی خشمگین شویم که وظایف شرعی اش را انجام ندهد. خواه فامیل نزدیک باشد یا غریب فرق نمی‌کند. فقط خدا باید راضی باشد نه دیگری.

و اما سخنی با خانواده‌ام؛

سلام بر شما خانواده عزیزم. من رفتم تا آن‌چه را که خدا حکم کرده به انجام برسانم و شما را به خدای بزرگ که آفریننده همه مخلوقات جهان است می‌سپارم و از همه شما می‌خواهم که مرا ببخشید از این‌که نتوانستم آسایش و رفاه شما را در دنیا و آخرت فراهم کنم، و خداوند شما را با الگوی زنان، فاطمه زهرا(س) محشور گرداند.

مادر تو را به خدا حلالم کن، چون تو خیلی برایم زحمت کشیدی. خداوند در آخرت جزای خیر به تو عنایت فرماید. همسرم تو سعی کن فقط به یاد خدا باشی و هرچه بیشتر خودت را به خدا نزدیک گردان و بدان که حتما خداوند یار و یاور تو می‌باشد. سنگر حجابت را حفظ گردان و سعی کن تا آن جایی که می‌توانی کار خیر انجام بده و توکلت به خدا باشد و استقامت و مقاومت کن. همین‌طور که تا الان مقاومت خود را نشان داده‌ای. برادر جان تو سعی کن که بچه‌هایت ادامه دهنده راه انبیاء باشند. ان‌شاءالله همین‌طور که خودت هستی. خواهرانم سعی کنید بچه‌هایتان را بیشتر از پیش با احکام اسلام آشنا کنید.

راستی من حدود یک ماه روزه بدهکارم اگر عمری باقی بود که خودم قضای آن را به جا خواهم آورد در غیر این صورت برایم به جا آورید.

پیامی به دوستانم در مسجد بلال؛

برادران سنگرتان را حفظ کنید و جبهه را هم فراموش نکنید و سعی کنید نماز جماعت را در مسجد با نظم بیشتر و بهتر برگزار کنید و مرا هم حلال کنید. برادران در عزاداری امام حسین(ع) مرا هم یاد کنید، می‌دانید که خیلی علاقه دارم. راستی ساختن مسجد بلال را فراموش نکنید هر چه زودتر آن را بنا کنید. از همه شما خواهانم و برادران التماس دعا دارم و از شما می‌خواهم که امام را فراموش نکنید و همیشه او را دعا کنید تا خداوند به سر ما منت نهد و امام را برای حفظ اسلام تا ظهور مهدی(عج) حفظ بگرداند.

حضرت عالم‌علیه السلام فرمود:

خداوند برای گروهی کشته شدن و برای گروهی دیگر مرگ را مقرر نموده و هر کدام به اجل معین خود آن سان که او مقدر کرده است می‌رسند، پس خوشا به حال مجاهدان راه خدا و کشتگان راه اطاعت او.

نهج السعاده، ج ۲، ص ۱۰۷

شمسید عارف قاصریا



تاریخ تولد: ۱۰ آذر ۱۳۴۶
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: اول هنرستان
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۸ اسفند ۱۳۶۲
محل شهادت: هور العظیم، عملیات خیبر
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

ولئن قتلتم فی سبیل الله اومتّم لمغفره من الله و رحمه
خیرمما یجمعون و لنن متّم او قتلتم لالی الله تحشرون.
(سوره آل عمران، آیه ۱۵۷ و ۱۵۸)

"اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید در آن جهان به
آمزش و رحمت خدا نائل شوید و آن بهتر از هر چیزی
است که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد. اگر در
راه خدا بمیرید یا کشته شوید غم مدارید که به رحمت
ایزدی پیوسته و به سوی خدا محشور خواهید شد."

ولاتحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیا عند
ربهم یرزقون.

(سوره آل عمران، آیه ۱۶۹)

"البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند بلکه زنده به
حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود."

هنگامی که خداوند در مورد شهیدان این چنین می‌گوید
کدامین شما کراهت دارد از این که به سوی خدا محشور
شود و هنگامی که پیامبر اسلام می‌فرماید:

"بالای دست هر نیکوکاری، نیکوکار دیگر است تا این که
در راه خدا شهید شود و همین که در راه خدا شهید شد

دیگر بالا دست ندارد."

کدام یک از شما نمی‌خواهد نیکوکارترین مردم باشد و
یا هنگامی که امام علی (ع) می‌فرماید:

"همانا جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را
بر روی همه کس نگشوده است."

کدامین شما کراهت دارد از این در وارد بهشت شود.
حالا که امام حکم جبهه رفتن را واجب کفایی اعلام
کرده است، ضربه‌ای بر پیکر صدامیان فرود آوریم که
تاب سر پا ایستادن را نداشته باشند و بعد به طرف
قدس حرکت کنیم.

دوستان این منافقین در این فکر هستند که از هر راهی
که می‌شود بر این انقلاب اسلامی ضربه وارد کنند و شما
امت حزب‌الله وظیفه دارید که از هر راهی که می‌شود
جلوی این منافقین را بگیرید و تا می‌توانید این‌ها را نابود
کنید و آن‌چنان ضربه‌ای بر اینان وارد کنید تا بقیه منافقین
قدرت ماندن در ایران را نداشته باشند و از هر کشوری
مزدشان می‌رسیده است به آن کشور فرار کنند.

موضوع دیگر این است که ما در این حکومت اسلامی
هرچه داریم از رهبرمان است. ما باید از امام اطاعت کنیم
و نگذاریم امام تنها بماند که اکثر دولت‌های غیر اسلامی

این هدف را دنبال می‌کنند که امام را تنها کنند ولی باید بدانند که کور خوانده‌اند. به نظر این حقیر اگر مسلمین دنیا انقلاب را درک و این چنین رهبری را ببینند، صد درصد آرزو می‌کنند چنین رهبری داشته باشند. پس وظیفه ماست که این انقلاب را به کشورهای دیگر نشر دهیم. آن‌ها که رفتند کاری حسینی کردند و آن‌ها که ماندند باید کاری زینبی کنند و گرنه یزیدیند. پس ما باید یا کاری حسینی کنیم و یا زینبی تا در صف یزید نباشیم.

پیامبر خدا صلوات الله علیه وآله فرمود:

هر کس برای دفاع از جان و مال اهل و عیال خود پیکار کند و کشته شود شهید است و کسی که در راه قُرب به خدا کشته شود شهید است.

کنزالمعال، ج ۴، ص ۴۲۰، حدیث ۱۱۲۳۶

شهرسید بهمنزاد قبادی



تاریخ تولد: ۶ مهر ۱۳۴۲
محل تولد: آبادان، خوزستان
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۱ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

با سلام و درود فراوان به پیشگاه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و فرزند خلف و پاک حضرت زهرا، رهبر کبیر انقلاب خمینی عزیز و مهربان و شهدای صدر اسلام تا کربلای ایران.

من این وصیت‌نامه را زمانی می‌نویسم که در جوار شهدای به خون خفته گلگون کفن شیراز حضور دارم. شهدایی که از دیدن عکس آن‌ها هرگز سیر نمی‌شوم. زیرا نشده که در یک بهشت زهرایی یا گلستان شهدایی نروم و ساعت‌ها را در آن جا گذرانم و غبطه می‌خورم که چرا بعد از این همه تلاش و کوشش همچون این عزیزان انقلاب در این منزل اخروی جای ندارم. شهادت در راه خدا سعادت است و فنا و نابودی نیست. نمی‌دانم چرا بعضی‌ها از مرگ می‌ترسند. این ترس از ضعف ایمان و تقوا نشات می‌گیرد. سوگند بسیار می‌خورم شرمندهام در قبال شهدای عزیز کربلای ایران که نمی‌دانم در این وصیت‌نامه چه بنویسم، مخصوصاً شهدای گمنامی که حتی جنازه‌هایشان هم به دست نیامد. العفو العفو. استغفرالله.

فقط بعد از طلبیدن حلالیت از امام بزرگوار که خدا مرا ببخشد اگر مرتبه‌ای سست ایمان شده باشم. از

خط این بزرگ‌مرد تاریخ، امام عزیز و زحمات چندین ساله پدر و مادر عزیز و گرامی که وقتی از زحمات خودشان در رابطه با من می‌گفتند، جبرانش را به جز دعای خیر و ورود ایشان به بهشت چیز دیگری ندارم و طلبیدن حلالیت از برادرانم و اقوام و خویشاوندانم توصیه به وحدت و یکپارچگی بین هم. به شما می‌گویم حواس خود را متوجه مسائل مادی دنیوی نسازید، زیرا این مسائل حجاب‌های بسیاری بین انسان و خدا ایجاد می‌کند. سلام مرا بسیار توسط فاتحه به برادران و دوستان عزیز شهیدم برسانید و رفقا و دوستانم مرا ببخشند اگر در طول عمر دوستی با ایشان سویی از بنده حقیر دیده‌اند.

همگی شما را که از امت آل محمد (ص) هستید توصیه به وحدت علیه استکبار جهانی و خودفروختگان و مزدوران داخلی، می‌کنم که با تمام حواس متوجه این امام عزیز، باشید و راه سرخ امام حسین (ع) سرور شهیدان که خمینی عزیز، همان راه را دنبال می‌کند را ادامه دهید و این را متوجه باشید که با این ناراحتی‌های دنیوی از راه امام عزیز، سست ایمان نشوید و اگر کسی بدگویی از اسلام و امام و این انقلاب کرد هدایتش کنید و اگر قابل

هدایت نبود بگویند در دهانش.

بعد از مرگ تمامی آشنایان در حد توان و وسع یک روز کامل نماز و روزه را برایم اعاده کنند و اگر خانواده مایل بودند مرا در دارالرحمه شیراز دفن کنند و اگر مقدور بود نمازم را در گلستان شهدای آبادان برگزار کنید. البته مقداری از خاک قبر برادر عزیزم را در آبادان بردارید و روی قبرم بریزید. در هر حال عشق و علاقه‌ام به دوستان و برادران آن قدر است که دلم می‌خواهد سلام همه را در این وصیت‌نامه کوچک بنویسم ولی چه کنم که از وصیت دوستان عزیزم عاجزم و مرا ببخشید.

بعد از مرگم به خانواده و خویشاوندانم بگویند اگر کدورتی از یکدیگر دارند کنار بگذارند و دنباله‌رو راه این انقلاب باشند. هر وقت خواستید برایم گریه کنید مصیبت امام حسین (ع) عزیز را گوش دهید و گریه‌تان به خاطر امام حسین (ع) باشد. به خاطر یتیمان امام حسین (ع) باشد. زیرا امکان دارد فجیع‌تر از حسین (ع) کشته و شهید شویم ولی درس عشق و شهادت در راه خدا را در مکتب امام حسین (ع) یافتیم و توصیه بسیار می‌کنم نگذارید به این مهره‌های انقلاب و اسطوره‌های امت و یاران امام و این دلیرمردان جمهوری اسلامی

خدش‌های و ضربه‌ای از طرف اشراک و فاسقین و مارقین وارد شود، نابودشان کنید این‌ها را و به سخنان فصیح امام عزیز گوش فرا دهید که صحبت از تفاهم بسیار می‌کند. وحدت و برادری بسیاری بین نهادهای انقلابی چون کمیته و سپاه و ژاندارمری و ارتش و سایر قوای مسلحه و نهادهای دیگر (غیر نظامی) ایجاد کنید که شهدا جز این چیز دیگری نمی‌خواستند. رابطه خود را با خدا به وسیله عبادت و دعا‌های بیشتر نزدیک‌تر کنید که منقول از شهید مظلوم بهشتی است که در آن دنیا مو را از ماست می‌کشند.

در خاتمه همه را به خدا می‌سپارم و برای همه شفاعت و بندگی و استقامت در راه خدا را خواهانم و همچنین از همه هم خواهان دعا و حلالیت طلبیدن هستیم.

امام صادق علیه السلام از پدرانش خود
از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

سه گروهند که روز قیامت شفاعت می‌کنند و شفاعت
آن‌ها مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد، انبیاء و علما
و شهداء.

بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، حدیث ۲۴

شهید محمد تقی قدوسی



تاریخ تولد: ۹ اسفند ۱۳۴۱
محل تولد: مشهد، خراسان
تحصیلات: دانشجوی دانشگاه شهید
چمران اهواز، خوزستان
وضع ناهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۹ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: منطقه عملیاتی کربلای ۴
(شلمچه)
محل خدمت: ادارات مرکزی، گزینش

فائش می‌گویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار
چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

ای خالق رئوف، تو را سپاس و حمد بی حد که مرا به راه راست هدایت کردی و مرا در جمع بهترین مخلوقات خود و در بهترین زمان و مکان قراردادای و توفیق دادی و این افتخار نصیبم شد که لباس جهاد در راه دینت را بر تن کنم و خونم و همه چیزم را فدای اسلام کنم، چه این لباس مقدس شایسته هر کسی نیست و باب جهاد بر روی بندگان خاص خدا باز می‌شود و قبای شهادت بر تن انبیاء و اولیاء و مقربین درگاه خداوند زیبنده است و من وقتی به خود می‌نگرم و اعمال ناشایسته‌ام را بررسی می‌کنم، حقیقتاً خودم را لایق این همه لطف از طرف خدا نمی‌دانم ولی خدا بزرگتر از آن است که مرا رها کند و دستم را نگیرد و از من روی برگرداند.

ای خدای بزرگ، ای خالق هستی، ای خیر محض، و ای کمال مطلق، ای گمشده همه انسان‌های سرگردان دربند هوای نفس، عظمت و بزرگی تو بالاتر از این‌هاست که کسی بتواند آن را درک کند و نعمات آن قدر زیاد است

که کسی را یارای شمارش آن نیست.

وقتی به تو فکر می‌کنم شور و شوق سر تا سر وجودم را می‌گیرد و شعله وصل و حضور در وجودم زبانه می‌کشد وقتی به خود می‌اندیشم و عمر به باد رفته‌ام که در غفلت بوده و بندگی غیر تو، شرمسار و سرافکننده می‌شوم اما با این همه تو دستم را گرفتی و هدایتم نمودی؛

"الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله"

آن کس که تو را بشناسد و پی به عظمت تو ببرد چیزی جز رحمت، از تو نمی‌بیند و می‌فهمد که در اقیانوس رحمت تو غرق است. هر چه از جانب خداست خیر است و رحمت وسیله‌ای برای رشد و تکامل و شایستگی پیدا کردن برای تقرب به درگاه تو، با چنین اندیشه‌ای دیگر جایی برای ناراحتی نخواهد ماند بلکه از هر آنچه که در ظاهر از آن به عنوان خطر یاد می‌کنند با روی گشاده استقبال می‌کند و کمال لذت را هم می‌برد. چه، خودش را در آغوش مقصود و معشوق خویش می‌بیند و دست رحمت خاصه او را بر روی سرش احساس می‌کند. هر چه را خدایش دوست دارد او می‌پسندد و آنچه را که او می‌خواهد به آن رضایت دارد و نمونه‌های آن را در

امامان معصوم و در صدر اسلام دیده‌ایم. حضرت علی در جواب پیامبر در مورد شهادت می‌فرماید:

" شهادت نعمت خداست که باید برای آن شکر کرد و مصیبت نیست که جای صبر باشد."

حضرت ابا عبدالله (ع) در روز عاشورا هرچه به ظهر نزدیک‌تر می‌شدند رویشان بشاش‌تر می‌شد و در آن لحظه‌های سخت و طاقت‌فرسای آخر که دشمن قصد جدا کردن رأس مبارک او را داشت، فرمود:

مبادا دل به دنیا ببندید و مبادا به خاطر از دست دادنش اندوهگین شوید. دنیا در همه چیز مثل فرزند و مال و مقام علمی و ریاستی تجلی می‌کند و بترسید از این که در غفلت باشید و امتحان الهی فرا رسد و بترسید از این که پیک اجل فرا رسد و شما در خواب باشید و خود را آماده نکرده باشید. به فکر خودتان و تعالی روحتان باشید در جهت کسب معرفت و محبت خداوند و پاک شدن از آلودگی‌ها و جهاد با نفس اماره باشید و بدانید که هر چه بخواهید در بندگی خداست و اگر از او روی برگردانید، سقوط خواهید کرد و ممکن است کار به جایی برسد که از خدا بخواهید شما را برگرداند ولی پشیمانی سودی نداشته باشد. در جهت رفع نیازهای اساسی مملکت گام

بردارید و کشور اسلامی را که مهد اسلام عزیز است یاری نمایید.

در پایان از پدر و مادر عزیزم از این که نتوانستم حق‌شان را ادا کنم معذرت می‌خواهم و از آن‌ها می‌خواهم که برایم طلب آمرزش نمایند و از خدا بخواهند که شهادتم را قبول فرماید. شما عزیزان برای من خیلی زحمت کشیدید و همیشه و در همه جا راهنمای دلسوز و متعهدی برایم بودید و بدانید که در پیش خدا خیلی ارزش دارید و خداوند به شما خیلی لطف کرده و خواهد کرد.

برادران عزیز و خواهران خوبم:

روی سخنم با شماست که الحمدالله تاکنون به اسلام خدمت کرده‌اید ان شاءالله این راه مقدس را با معرفت و با کوشش بیشتری انجام دهید و جز رضای خدا دنبال چیز دیگری نباشید.

بار دیگر از همه دوستانم می‌خواهم که حلالم کنند و هر وقت به یادم افتادند از خدا برایم طلب عفو بفرمایند و از محضرش بخواهند که مرا به عنوان شهید راهش قبول فرماید. امیدوارم که شما را با روی سفید و قبول شده درگاه الهی در آن دنیا زیارت کنم.

وضعیت آنچه که از من باقی مانده مشخص است و از لحاظ شرعی مسئله‌ای ندارد، پدر و مادرم خودشان از طرف من رسیدگی خواهند کرد. بعد از من انجام عمل خیر و کمک به محرومین و کمک در جهت تبلیغ و دفاع از اسلام از آنچه که از من باقی مانده فراموش نشود، هر وقت توانستید برایم نماز بخوانید و روزه بگیرید.



شهادت شهید جبار گنبره



تاریخ تولد: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷
محل تولد: ماهشهر، خوزستان
تحصیلات: دوره راهنمایی تحصیلی
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۶ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه، کربلای ۵
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

انسان برای هر کاری که انجام وظیفه می‌کند باید رضای خدا باشد. با سپاس خدای کریم که به رحمت خود ما را به راه راست هدایت فرمود که اگر رحمت او نبود ما جمعی گمراه بودیم و با درود به پیغمبر اکرم (ص) و فرزندان والامقامش از علی (ع) تا امام زمان (عج) و دخت گرامی‌اش فاطمه زهرا و زینب (س) و امام بزرگمان و امت شهید پرور.

امیدوارم هر که این وصیت‌نامه را می‌خواند و یا می‌شنود؛ در آن کمی تأمل و دقت کند که آن را در یکی از بهترین و مقدس‌ترین مکان‌های دنیا، جبهه‌های جنگ می‌نویسم.

قرآن بهترین راه و یاد شهیدان جاوید برای دو سوی کفر و اسلام واقعی می‌باشد و سخن شهیدان (رضوان‌الله تعالی) برای اهل ایمان بسیار ارزشمند است که این سخن شهیدان همه دارای ارزش فوق‌العاده‌ای هستند هر که آن‌ها را بخواند و عمل کند به راه راست رود و هر که از کنار آن‌ها بگذرد خون و دینش را ضایع کند.

اما بعد، من گناهکار که اعمالم همه تباه شده و کردارم برای ریا بوده است که اگر خدا به من رحم نکند جایگاهم پر از آتش خواهد بود. مردم، من بیچاره گنه‌کار رو سیاه

را دعا کنید. برای من طلب مغفرت نمایید. مردم، من در دنیا می‌گویم گناه کردم تا در آخرت در پیشگاه خدا و رسولش و جمیع شهیدان و مومنین و مومنات رسوا نگردم. آیا در بین شما کسی هست که برای من دعا کند که خدا گناهانم را ببخشد و اما مردم، دنیا جای ماندن نیست، دنیا فانی بی‌وفایی است که هر که دل به آن ببندد آخر کارش همه دوزخ است، بیش از پیش به سوی میدان نبرد بروید که ارواح انبیاء و شهدا ناظر سنگرهای ما است و این سنگرها زمانی مراکز زیارت مردم جهان خواهد شد.

دوستان عزیزم مرا از دست نداده‌اید بلکه امروز مرا به دست آورده‌اید. بیش از پیش شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم و به وحدت، ایثار و اخلاص و ارشاد همدیگر، ان شاء الله همگی برایم دعا کنید.

اما من از همه کسانی که در راه بزرگ شدنم سهم داشته‌اند حلالیت می‌طلبم و از پدر بزرگ، خواهر و برادرم و اهل و عیالش و خویشان، طلب حلالیت می‌خواهم و کسانی که قرض از من دارند از برادرم بگیرند.

شمس حسن خواتر



تاریخ تولد: ۱۰ اسفند ۱۳۳۴
محل تولد: شادگان
تحصیلات: دیپلم مکانیک، اهواز
وضع تاهل: متاهل
تعداد فرزندان: یک دختر
تاریخ شهادت: ۸ اسفند ۱۳۶۲
محل شهادت: جبهه هورالعظیم
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

شکر خدای را که هدایت‌مان کرد که اگر هدایت‌مان نمی‌کرد راه هدایت نمی‌یافتیم. حمد و سپاس خدای را که امام امت را به رهبری ما برگزید تا این اسوه زمان راه رسیدن به سرچشمه معنویت و دریای نور رحمت الهی را به ما بنمایاند. امام امت این جنگ حق علیه باطل را رحمت نام نهادند. شکر خدای را که توانستم به جبهه‌های حق علیه باطل بیایم و آثار رحمت خدا را مشاهده کنم.

قرآن کلام خداست و نماز ذکر خدا و قلب انسان با ذکر خدا آرامش می‌یابد و در جبهه‌ها، در این دریای نور و رحمت چیزی جز ذکر خدا، عینیت یافتن کلام خدا نیست.

در جبهه می‌توان معصومین^(ع) را شناخت که جبهه مکتب است، مکتب رشد انسان‌های طالب وصال خدا، شهدا و جانبازان در آن درس عشق فرا می‌گیرند و خدا عاشقان خود را انتخاب می‌کند و از عده‌ای جانشان را می‌گیرد تا در سرای دیگر، دریای ابدیت رحمت در بهشت موعود در جوار خودش جا دهد. این بنده حقیر به این حقیقت پی‌نبردم مگر حال که سه ماه است در جبهه قرار گرفته‌ام.

جبهه دریای رحمت است، سه سال در کنار این دریا بودم و جرات وارد شدن به آن را نداشتم و لذت‌های

دنیا و علاقه به دنیا و ریسمان‌های سیاه گناه مرا به خود گرفته بود و اجازه وارد شدن به آن را به من نمی‌داد و حال که آمده‌ام بعد از مدت‌ها تازه فهمیدم که بیش از سه سال چگونه در خواب غفلت اسیر دنیا بودم، می‌بینم چگونه یاران پر می‌گیرند و به سوی خدا می‌روند و یگانه‌آرزویم این شده که از این جا پر بگیرم و به سرچشمه دریا‌های رحمت و به وصال معشوق برسم. به خدا برسم و در جوار رحمتش در ابدیت آرامش پذیرم. سراسر جبهه‌ها شور و شوق رسیدن به کربلاست و مهبیای حمله و کربلا ان‌شاءالله به زودی آزاد می‌شود. از خدا می‌خواهم مرا پس از رسیدن به کربلا و زیارت قبر شش گوشه امام حسین^(ع) به سوی خود فراخواند. ای امت شهیدپرور، ای کسانی که عزیزان زیادی از شما در راه خدمت به انقلاب اسلامی و یاری امام امت به سوی معشوق شتافتند، امام امت پیر جماران نایب به حق امام زمان^(عج)، حسین زمان به ما گفت جنگ رحمت است و حقیقت رحمت بودن آن اکنون بر تاریخ اثبات شده، قدر این نعمت عظیم الهی را بدانید و قلب او و قلب مولایش امام زمان^(عج) را با گناه و اعمال خلاف مصالح انقلاب اسلامی نرنجانید که خدا

کسانی را که او و مولایش را برنجاند نمی‌بخشد. شب و روز برای سلامتی و طول عمرش دعا کنید که خدا تا انقلاب مهدی (عج) و در کنار مهدی (عج) او را سلامت و تندرست دارد. ای مردم گناه نکنید، حتی کوچک‌ترین گناه، که با هر گناه ریسمان تازه‌ای به انسان می‌پیچد و انسان را اسیر ظلمت می‌کند. قرآن را زیاد بخوانید و با احادیث و روایات معصومین آشنا شوید و به آن عمل کنید که حقیقت در آن است. استغفار کنید، به واجبات و مستحبات اهمیت بدهید که ریسمان‌های گناه را از دور انسان پاره می‌کند، گناه و حب دنیا انسان را به تشویش و نگرانی می‌کشد. آشنایی با قرآن و احادیث و روایات و انجام فرایض و مستحبات، توبه و پناه بردن به خدا قلب انسان را آرامش می‌دهد، مهم‌ترین آن‌ها نماز با خشوع و خضوع، نماز اول وقت نماز جماعت است، مخصوصاً نماز شب، رفتن به زیارت شهدا و توسل به معصومین علیهم السلام.

و چند کلمه با خانواده‌ام؛

خانواده گرامی، مادرم، همیشه آرزو داشتم به جبهه بروم و در آزادسازی کربلا جان بدهم، بالاخره خدا توفیق داد که بتوانم قدم در این دریای نور و رحمت بگذارم.

مادرم، در حق تو خیلی ستم کردم از همین جا دستت را می‌بوسم مرا ببخش و دعا کن که خدا هم مرا ببخشد، مواظب فاطمه باش او را از همان کودکی در آغوش پر محبت بگیر و با نماز و مسائل شرعی آشنایش کن، نگذار دلتنگ و نگران باشد که خدمت به او ثواب زیادی دارد. چهار تا از فرزندان در جبهه هستند بر دوری آن‌ها و حتی بر شهادتشان صبر کن که خدا صبرکنندگان را دوست دارد.

همسر عزیزم؛ تو که جبهه رفتن مرا با آن همه صبر و با خوشرویی پذیرا شدی، نتوانستم همسر خوبی برای تو باشم و تو را خیلی اذیت کردم. نتوانستم داماد خوبی برای خانواده‌ات باشم، مرا ببخشید و برایم دعا کنید که خدا هم مرا ببخشد. به خانواده‌ات سلام برسان و بگو مرا ببخشند. در حق فاطمه مادری خوب باش، خودسازی را فراموش نکن. هر هفته دعای کمیل، بهشت شهدا و نماز جمعه را حتی‌الامکان ترک نکن.

فاطمه عزیزم؛ قبل از این که بتوانی مرا بشناسی تو را ترک کردم. نگران نباش خدا تو را در پناه خود نگه می‌دارد، فرزند خوبی برای اسلام باش و همیشه دنبال راه شهدا باش. اسلام راستین را از روحانیت فرا

تهیه کنید. از یک سوم سهم خودم پس از مخارج کفن و دفن، نماز و روزه و غیره، مبلغی به اختیار مادرم جهت ساختمان محل نماز جمعه تهران و اهواز پرداخت کنید.

بگیر، وقتی بزرگ شدی به مردم بگو پدرم دست خالی به دنیا آمد و دست خالی به دنیای دیگر رفت و رفتش فقط و فقط برای خدا و حفظ اسلام بود، اسلامی که عزیزان زیادی به پایش خون خود را نثار کردند. همیشه در زندگی‌ات عمل صالح داشته باش و امر به معروف و نهی از منکر را در زندگی‌ات داشته باش. مخصوصاً با عمل، فرزندان را برای اسلام خوب تربیت کن.

برادرانم و خواهرم شما را خیلی اذیت کردم. امیدوارم مرا ببخشید و راه مرا که همانا پیروی از امام امت و اسلام عزیز و خدمت به انقلاب اسلامی است ادامه دهید.

خانواده‌ام، دوستان، برادران و همکاران عزیزم، امیدوارم به خاطر آن همه اذیت و آزاری که در حق شما روا داشتم مرا ببخشید و دعا کنید که خدا هم مرا ببخشد و در دریای بی‌انتهای آخرت در جوار رحمت خودش و در کنار شهدای اسلام قرار دهد، در کنار رسول اکرم (ص) و امام حسین (ع).

خانواده عزیزم، به رفتن من گریه نکنید که رفتنی شیرین و دلپذیر است و آرامش ابدی یافته‌ام که چه آرامش خوبی است. اگر جنازه من به دست شما رسید و احتیاج به کفن داشت، کفن مرا از قسمت‌های واجب و مستحب

شهید بیستون گلستان هرمز



تاریخ تولد: ۲۶ اسفند ۱۳۴۴

محل تولد: رامهرمز

تحصیلات: دیپلم

وضع تاهل: مجرد

تاریخ شهادت: ۴ دی ۱۳۶۵

محل شهادت: کربلای ۴

محل خدمت: شرکت ملی مناطق

نفت خیز جنوب

شکر مخصوص خدایی است که ما را آفرید و ما را در شرایطی قرار داد که می‌توانیم در سپاهی همانند سپاه امام زمان باشیم و ندای هل من ناصر اینصرنی ابا عبدالله حسین (ع) را با خون خود پاسخ گوئیم.

خداوندا درود فرست بر محمد و خاندان و فرزندان او، خدایا درود فرست بر رهبر انقلاب و شهیدانمان که در روی زمین بهترین بندگان هستند. سلام خدمت محضر مبارک آقا امام زمان (عج). سلام خدمت کسی که نامش برای همیشه در قلوب مومنین زنده می‌ماند و همانند ستاره‌های پر نور در تاریخ بشریت می‌درخشد. آری امام امت را می‌گوئیم منجی این ملت را، سلام بر هم‌زمان عزیزم که بعد از من هستند و نمی‌گذارند سلاح خونینم بر زمین بماند. سلام بر جانبازان عزیز، آنانی که درس ایثار را به دنیا آموختند. عزیزان به وحدانیت خداوند قسم هیچ وقت نتوانستم در چشمان شما نگاه کنم چون در مقابل هدیه‌ای که شما به خدا دادید من چه کرده‌ام وای بر ما.

سلام بر اسیرانمان که سال‌ها است متحمل شکنجه‌های روحی و جسمی هستند و سلام بر خانواده معظم شهدا و اسرا که صبر را به امت ما آموختند و سلام بر خانواده

گرامی‌ام که توانستند امانتی که به آن‌ها واگذار شده بود به نحو عالی حفظ کرده و باز پس دهند و امیدوارم خداوند صبری عظیم به آن‌ها عطا کند که در حفظ اسلام کوشا باشند.

از خانواده و فامیل عزیزم حلالیت می‌خواهم، مرا ببخشید، هر چند شما را خیلی اذیت کردم و حقی را که گردنم داشتید ادا نکردم. دوست داشتم فرصت بود و دستتان را می‌بوسیدم و حلالیت می‌گرفتم اما وقتی دیگر باقی نمانده و در شب‌های آینده باید دشمن اسلام را در خون نجس خود شناور کنیم.

در این جا صحبت‌م با تمامی امت است. چشمان خود را باز کنید و گوش‌هایتان را تیز، شاید هنوز بتوانید صدای هوایماهایشان را بشنوید و یا گوشت‌های تکه‌تکه را در کف خیابان‌های اهواز ببینید و بفهمید ما چرا از زندگی خود می‌زنیم و در جبهه‌ها هستیم. ای کسانی که این صحنه‌ها را می‌بینید و صدایتان در نمی‌آید و یا منافقانه دم از خاتمه جنگ می‌زنید، بدانید که مسلمان نیستید و انسان‌های پست و ذلیلی هستید. خدا رحمان است، توبه کنید. بس است دیگر من چه می‌توانم به عنوان وصیت بگویم وقتی همه چیز را قرآن گفته، وقتی همه

چیز با فرق شکافته امیرالمومنین و گلوی پاره ابا عبدالله و خون مطهر و گلگون شهیدانمان گفته شده است. آیا من حقیر نیز بار دیگر باید سخن بزرگان را بگویم. بگویم برادر مسلمان واجبات را انجام بده از منکرها پرهیز کن، جبهه‌ها را خالی نگذار، مسجدها را حفظ کن و یا ای دختر مسلمان حجابت را حفظ کن و فریب وسوسه‌های شیطان را نخور. یا ای امت مسلمان امامتان را همانند چشمانتان حفظ کنید، مساجد را خالی نگذارید. آری من نیز می‌گویم اما با جوهر خون خود و بر کاغذ دشت‌های اسلامی.

چیزی پیش کسی ندارم اگر هم داشته باشم حلال می‌کنم ولی کتابی متعلق به سید قدرت‌الله حجازی (گچساران حلیه متقین) پیش من است، وسایلی متعلق به دوستان که سعی کنید به آن‌ها برسانید و یا خودشان بیایند بگیرند. چهار جلد کتاب اصول کافی است که هر جلد را به یکی از هم‌زمانم (سعید میرزایی، حمید دوبری، محمدرضا سقا، فرشید تقی‌پور) هدیه می‌کنم و نواری هم هست (اشعار مولوی) که به برادر عزیزم علی نبوی هدیه می‌کنم. خواهش می‌کنم آن‌ها را بگیرید. نماز و روزه قضا زیاد دارم از دوستان و خانواده‌ام

می‌خواهم آن‌ها را به‌جا آورند.

دوست دارم برادرانم و بچه‌های عمویم به نحو احسن تحصیل کنند و افراد متعهدی بار بیایند که این کشور به این قبیل افراد احتیاج زیادی دارد و در پایان از تمام دوستان آشنایان و همسایگان حلالیت می‌خواهم. امیدوارم خداوند امام امت و آیت‌الله منتظری را حفظ کند. هر عصر پنجشنبه دیدار با شهدا صبح جمعه دیدار با خانواده شهدا را در میعادگاه نماز جمعه فراموش نکنید. امیدوارم خداوند مرگ ما را شهادت در راهش قرار بدهد و ما را با ایمان از دنیا ببرد. خداوند رزمندگان اسلام را، این جوانان را که سرمایه‌های این امت هستند، حفظ کند تا در جای مناسب که همان جبهه‌هاست از آن‌ها استفاده شود.

امام رضا علیه السلام از پدرانش خود
از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود:

برترین اعمال نزد خداوند، ایمانی است که در آن تردیدی
نباشد و رزم و پیکاری که در آن خیانت (در غنیمت) نباشد
و حج مقبول. و اولین کسی که وارد بهشت می‌شود شهید
است.

بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳، حدیث ۷۵

شهید ایوب کمالسر



به نام خدای بخشنده مهربان، به نام آن که هر امر او یا از رحمان بودن اوست یا از رحیم بودن او که به همه جهانیان رحمت خود را می‌فرستد و بر مومنین نعمت‌های مخصوص خود را که همانا روشن کردن راه آن‌ها و هدایت آن‌ها به سوی راه است.

همه ما انسان‌ها محدودیم، البته این جسم مادی ما محدود است ولی روح ما تا ابد زنده است، جان وابسته به این بندگی دنیوی ما است که روح خود را در دنیای دیگر به چه صورت ببینیم. آیا به صورت انسانی یا حیوانی، سیاه و سفید با چشمانی روشن یا کور همه می‌میریم و در این جهان هیچ کس پایدار نیست جز خدا و تنها اوست زنده پاینده و اما واجب شده وصیت کردن بر هر فرد مسلمان و من این وصیت را در سلامتی کامل چه عقلی و چه جسمی می‌نویسم، امید است که مورد استفاده قرار گیرد.

اول شهادت می‌دهم که تنها اوست که شایسته پرستش است و لاغیر و دوم شهادت به رسالت محمد (ص) که خاتم تمام پیامبران است و سوم شهادت به جانشینی امامان معصوم که اول علی (ع) و آخر آن‌ها مهدی (عج) است. خواندن قرآن و نهج‌البلاغه یادتان نرود و کمبودها

و نارسایی‌ها را به وسیله صرفه‌جویی و باز هم صبر و تحمل، تا ان شاءالله خدا فرجی دهد و این‌ها از بین برود. برای پاک کردن قلوب، قرآن را بخوانید و نگذارید که خاک بخورد چون روز قیامت شکایت می‌کند. و مساجد، مساجد را پر کنید این سنگر همیشگی اسلام که از روز اول بوده و تا روز آخر خواهد بود و امر به معروف و نهی از منکر را از یاد نبرید که از یاد بردن آن مساوی با از بین بردن کشتی زندگی اجتماع است و مطالعه را یعنی آن مطلبی که خدا گفته و فرمود، از هر چیزی که علم ندارید پیروی نکنید که ضربه‌های خسارت‌بار خواهید خورد و خلاصه کلام خدا و خود را فراموش نکنید. خدا را که شما را آفرید و خود را نیز که ارزشتان را این دنیا کفایت نمی‌تواند بکند...

امیدوارم خدا مرا در حالی که هدایت کرده از این دنیا ببرد و شما را هم به راه راست هدایت نموده و سعادت هر دو دنیا را نصیبتان نماید.

مهرداد و یعقوب، خدا یادتان نرود و پویندگان راه حق، خدا و اراده حرکت به سوی او را به یاد داشته باشید.

شھید اسماعیل کنار کوھر



تاریخ تولد: ۱۵ مرداد ۱۳۴۶
محل تولد: آغاچاری، خوزستان
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شہادت: ۲۸ بهمن ۱۳۶۴
محل شہادت: فاو
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

با سلام و درود به امام امت و ملت شهیدپرور و قهرمان. پدر و مادر عزیزم سلام علیکم، امیدوارم که حال همگی شما در پناه حق خوب باشد و در راه اسلام کوشا باشید و امیدوارم که برای من ناراحت نباشید، برای اسلام ناراحت باشید که مبادا شکست بخورید و من از شما می‌خواهم در تمام اجتماعات شرکت نمایم و برای من گریه نکنید و لباس سیاه نپوشید بلکه برای امام حسین (ع) گریه کنید و به خواهرانم بگویید که به دعای کمیل بروند و همچنین به برادرانم بگویید که مسجدها را خالی نگذارند و امام بزرگوارمان را تنها نگذارند و چه زیبا است آگاهانه به پیشواز شهادت رفتن، چه شیرین است جان دادن در راه خدا و چه عظیم است تکلیف دفاع از اسلام و مسلمین.

به این‌هایی که دل به این دنیا بسته‌اند بگویید که دنبال پول و ثروت نروند و همیشه یار و یاور اسلام و امام باشند و به جبهه‌ها بیایند و جبهه‌ها را خالی نگذارند و به آن‌ها بگویید که از این کارهای زشت و غیر انسانی دوری کنند و جلوی نفس اماره خود را بگیرند و به آن‌ها بگویید که این جهان مزرعه آخرت است و تا آن‌جا که می‌توانند کارهای خوب و خدایی انجام دهند و به برادرانی که به

مسجدها می‌آیند بگویید که جلوی کارهای این منافقان را بگیرند و فرصت کار کردن برای آمریکا و شوروی ندهند و آن‌ها را سرکوب کنند و به این‌ها بگویید که هنوز فرصت است که به دامن اسلام برگردند و من از خدا می‌خواهم که مرا ببخشد و مرا از این همه گناه پاک بدارد و من بلکه با شهادتم بتوانم این همه گناه را از روی دوشم بردارم و جزء بندگان خدا باشم.

خوش بهاری آمد از خون جوانان عین خوش را
آفرین صد آفرین تا فکه را یکسر بگیرد

و از مادرم متشکرم که من را به این راه تشویق کرد و امانت خدا را پس داد و از پدر و مادر می‌خواهم که مرا ببخشند که برای آن‌ها کاری نکردم و باعث زحمت آنان شدم و امیدوارم که از من ناراحت نباشند و مرا ببخشند که نتوانستم برای آن‌ها فرزند خوبی باشم و امیدوارم که مرا حلال کنید، چون اگر مرا حلالم نکنید دیگر جزء شهدا قرار نخواهم گرفت و از این‌که نتوانستم در این دنیا برای شما کاری بکنم در آن دنیا شما را شفاعت می‌کنم و از برادران و خواهرانم بخشش می‌خواهم که آن‌ها را ناراحت کردم. و از بچه‌های "لین" (محلّه) می‌خواهم که مراسم عزاداری من را خیلی خوب برگزار بکنند و می‌خواهم که

برای من بگیرند و اگر جسد مرا پیدا کردید از کسانی
که جسد مرا حمل کرده‌اند متشکرم و جسد مرا پهلوی
قبر منوچهر عباسی دفن کنید.
سوی دیار عاشقان، رو به خدا می‌رویم، رو به خدا می‌رویم.

به نماز جماعت و نماز جمعه‌ها بروند و مسجدها را خالی
نگذارند و جبهه را خالی نگذارند و همیشه یار امام باشند.
و از بچه‌ها می‌خواهم که مرا ببخشند، اگر کاری ناپسند
از من دیده‌اند و اگر کسی از من پولی دارد مرا ببخشد و
از بچه‌ها و دوستان می‌خواهم که یک ماه، روزه و نماز



ارام‌خمسیر (روا)

شهادت یک هدیه‌ای است از جانب خدای تبارک و تعالی
برای آن کسانی که لایق هستند و دنبال هر شهادتی باید
تصمیم‌ها قوی‌تر بشود.

صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۷، ۱۳۵۸/۳/۱۱

شهید فرهاد کیا نیر اصلدانسر



تاریخ تولد: ۱ اسفند ۱۳۳۹
محل تولد: میانکوه، خوزستان
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: متاهل
تعداد فرزند: یک دختر
تاریخ شهادت: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۱
محل شهادت: غرب رودخانه کارون
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

دارم، بپردازید و در مورد بقیه آن، خودتان مختارید.
در پایان از خدا طلب بخشش گناهان خود و تمام
مسلمین را دارم.

اکنون که در حال نوشتن وصیت‌نامه‌ام هستم از خدای
رحمان و رحیم خواهانم مرا در زمره بندگانی قرار دهد
که ادامه دهنده خون‌های پاک ریخته شده تمام شهدا از
صدر اسلام تا به امروز باشم.

پدر و مادر می‌دانم که چه زحماتی برایم کشیدید و حتی
نتوانستم مقدار کوچکی از زحمات شما را به جای آورم.
اما مسئله‌ای که می‌خواهم در نظرتان باشد این است که
چطور باید در راه خدا و انقلاب خدمت کرد و کاری که از
من ساخته بود فقط خون دادن است و از خدای متعال
طلب صبر و شکیبایی و اجر آخرت برای شما دارم و خدا
را سپاس گوید که هدیه‌ای در راه او عطا کردید.

و به تو همسرم که کمتر از یک سالی از زندگی
با سعادت‌مان نمی‌گذرد. عشق به الله باعث جدایی‌مان
در دنیا شد و از تو می‌خواهم پیام دهنده خون شهدا
و تربیت‌کننده خوبی برای فرزندان (مریم) باشی که
این گفته امام همیشه در خاطرت باشد که از دامن زن
مرد به معراج می‌رسد. شما و فرزندم را به دست خدا
می‌سپارم.

ضمناً از مال دنیا مقدار پولی که دارم مقداری از آن را
نماز و روزه سه سال را بدهید انجام دهند و اگر بدهی

شمس‌الدین سردار گل زردان



تاریخ تولد: ۱۳ خرداد ۱۳۴۵

محل تولد: اهواز، خوزستان

تحصیلات: کارآموز هنرستان

وضع تاهل: مجرد

تاریخ شهادت: ۴ دی ۱۳۶۵

محل شهادت: جزیره سهیل، کربلای ۴

محل خدمت: شرکت ملی مناطق

نفت خیز جنوب

زیباترین کلام زمان از زبان امام برون آمد که در مورد شهادت فرزندش بود و آن این بود ما از خداییم و به سوی او رجعت خواهیم کرد.

پس چه رجعتی بهتر از رجعت سرخ.

انسان، تو که کوله‌باری سنگین از گناه و معاصی به خود بسته‌ای و قصد رفتن داری چرا بر ترک اسب شهادت ننشینی که سنگینی آن را حتی در مقصد حس نکنی! بله عزیزان، رجعت فقط رجعت حسین‌گونه‌ای است که به درد می‌خورد. به راستی حسین که بود آیا فقط پسر کوه درد و رنج بود و آیا فقط دریایی از شکنجه و مظلومیت! یا نه، بگوییم برادر شیرزنی که زینب کبری بود و از کودکی با درد و رنج انس گرفته بود. آیا حسین فقط کسی بود که فرزندان و برادران و اصحابش مظلومانه و غریبانه در کربلای خشک آن روز جلوی خواهر و همسر خاندانش شاهد شهادت آن‌ها بود، آیا حسین نیم‌جانی بود که پس از صد و چندی ضربه شمشیر "ندای هل من ناصرا ینصرنی" خودش آوازه داشت. نه! بلکه حسین علاوه بر اینان، پیامبر اکرم (ص) که در قالب این جسم زنده شده بود تا با خون از خشک شدن ریشه اسلام در جهان جلوگیری کند. بله تنها درختی که به پای آن

به جای آب، خون می‌رود اسلام است. از همه اهل دنیا، ملائکه انس و جن طلب مغفرت می‌کنم و امیدوارم مرا حداقل نه به خاطر ندامتم بلکه به خاطر حسنه‌ای که خدا به این صفت یعنی بخشش اعطا می‌کند و در حقیقت نه به خاطر حسنه خدا بلکه به خاطر خود خدا این حقیر را ببخشد، ان شاءالله.

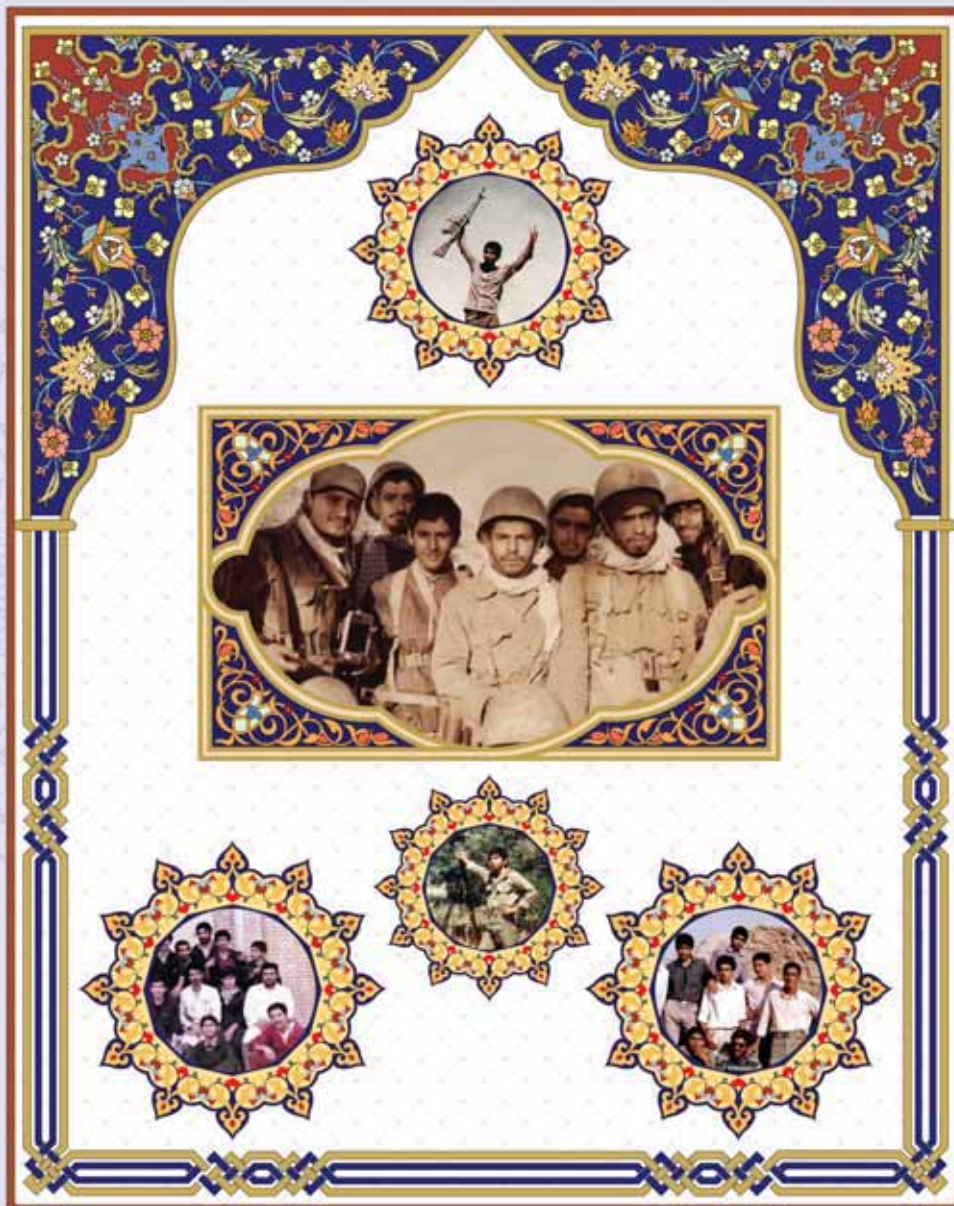
پدر و مادرم و مادرم و پدرم

بخوانید وصایای من را که می‌دانم ارزش هدیه‌ای را که به خدا داده‌اید با خواندن نوشته حس می‌کنید. اولین آرزویی که داشتم این بود که زنده می‌ماندم و پدر می‌شدم و آن‌گاه پسر را راهی جبهه و دخترم را راهی پشت جبهه اسلام می‌کردم و آن وقت پس از شهادت هر یک از آن‌ها یا بهتر بگویم تقبل این هدیه ناقابلیم به خدا احساس وجد می‌کردم و وجد من این نیست که خوشحال شوم و بخندم و شیرینی بدهم بلکه وجد من این بود که بگیریم و ناله کنم و احساس تحمل سختی‌ها کنم. خدا واقعا عاشق شما بوده است که چنین بلایی را بر شما نازل کرده. آیا می‌دانید چرا دوست داشتم زنده بمانم و چنین شود. آری به خاطر این که به جرات اجر پدر و مادری که شهادت عزیزترین فرزندشان صبر

می‌کنم. خواهرانم اگر سعادت شهادت را داشته‌ام دوست دارم پس از شهادت من بروید و عضو بسیج خواهران بشوید. زیرا من علاقه زیادی به بسیج داشتم البته جای من در بسیج خالی نمی‌ماند و این پیام من به شماست. بعد از من بر شما موظف است از برادر کوچکم مردی جهادگر، ایثارگر، مومن، عابد و پرهیزگار بسازید و او را شهادی زنده بسازید.
و در آخر؛ سلامتی تک تک شما را خواهانم.

پیشه کنند از خود آن شهید بیشتر است. برای این است که جهاد در جبهه جهاد اصغر است و جهاد با نفس جهاد اکبر، به خاطر این است که وقتی می‌گویند ارزش انسان بیشتر است یا فرشتگان می‌گویند انسان! بدین علت که او در معرض گناه است و گناه نمی‌کند ولی فرشته جز عبادت بعدی ندارد. جهادی که تو پدرم و شما مادر عزیزم با نفستان که شما را ناراحت و غمگین کرده می‌کنید و برخلاف میل نفستان که می‌خواهد بگریید و می‌خندید با ارزش‌تر است از جهادی که من در جبهه





شهریار حسین لاجوردی پور



تاریخ تولد: ۱ فروردین ۱۳۴۲

محل تولد: تهران

تحصیلات: دانشجوی رشته الهیات

علامه طباطبائی تهران

وضع تاهل: مجرد

تاریخ شهادت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۷

محل شهادت: شلمچه

محل خدمت: مدیریت توسعه منابع انسانی

به نام الله آن قادر متعال که خلق کرد ما را و سپس هدایتمان کرد.

و با سلام محضر مبارک دوازدهمین اختر فروزان آسمان ولایت و درود فراوان خدمت مبارک رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی که زنگار ستم و گناه و جنایت را با فرمان اسلام‌گونه خود از چهره این مملکت زدود و مملکتی محمدی بنیان نمود و با صمیمانه‌ترین و خالصانه‌ترین سلام‌ها خدمت خانواده عزیزم و تمامی امت حزب‌الله، ان‌شاءالله به لطف و حمد الهی در سایه حضرت بقیه‌الله و به یاری خون شهدا این انقلاب و رهبری پیامبرگونه امام خمینی به دولت جهانی حضرت مهدی (عج) متصل می‌گردد و تمامی امت حزب‌الله و رزمندگان اسلام در تمامی اهداف اسلامی خود موفق باشند.

الان که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، خدایا با چه رویی به سوی تو می‌خواهم هجرت نمایم. من که برای این هجرت لیاقت و سعادت در خود نمی‌یابم. خداوندا، چگونه شکر نعمات بی‌حد تو را گذارم که از انجام آن عاجزم. ایزدا، من که در زمان حیات خود بنده و عبدی شایسته و مخلص نبودم. خدایا آن‌طور که باید در ایام عمرم انجام وظیفه نمایم نکردم. بارالها به من توفیق ده

که با مرگ خویش و اهدای این چند قطره خون ناقابل خود بتوانم در استمرار حرکت انقلاب اسلامی موثر واقع شوم. بارالها چنان نیرو و تقوایی به من عطا بنما تا خلوص نیت پیدا کنیم در کارها و سعادت دیدار تو نصیب ما شود. از تمامی دوستان امت حزب‌الله می‌خواهم که این حقیر را عفو نمایند و راه مرا تا پیروزی کامل انقلاب اسلامی ادامه دهند و گوش به فرمان روح و جان امت مسلمان یعنی امام خمینی دامت برکاته باشند تا صاحب اصلی این انقلاب، حکومت حقه‌اش را ایجاد نماید.

امیدوارم که در مرگ من روحیه خود را از دست ندهید و دشمن را شاد نکنید که سعادت من در این بود. امیدوارم که برادرم حسین به تحصیل خود ادامه دهد تا بتواند به امت اسلامی خدمت نماید.

از تمامی اعضای خانواده و آشنایان و فامیل که در پروریدن من رنجی برده‌اند معذرت می‌خواهم، امید است تا تمامی خواهرانم راه زینب را ادامه دهند.

به امید پیروزی حق بر باطل

شهرت عبد العالمر



تاریخ تولد: ۱ آبان ۱۳۳۶
محل تولد: ماهشهر، خوزستان
تحصیلات: دانشجوی دانشکده صنعت
نفت اهواز، خوزستان
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰
محل شهادت: تپه‌های الله اکبر
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

مادرم، برادرانم، خواهرانم

شاید این آخرین رقعته‌ای باشد که من می‌نویسم، بعد از شهادت پدر شهیدمان مرتب انتظار وصال او را دارم که پیام‌های خودمان را به او برسانیم که پدر شهیدم راحت را ادامه خواهیم داد.

حال، روی اصلی سختم با توست مادرم. ای که همواره برایم سبب صبر و استقامت بودی و تو که همسر یک شهید هستی و نیز اگر خدا بخواهد مادر یک شهید خواهی شد.

از تو می‌خواهم همان‌گونه که در شهادت پدر صبور بودی در شهادت فرزند نیز صبور باشی و همان‌طور که آن زمان که برادر الگویم عبدالکریم زخمی شده بود، به او تبریک گفתי به جای من به برادران و خواهران تبریک بگو و خون مرا هدیه‌ای بدان در راه خدای بزرگ که تقدیم می‌کنی و نیز اگر قبرم یا جسمم را نیافتی محزون مباش که من در قلب توام و تو در قلب یک شهید.

و مادرم اگر به افق دوردست بنگریم از طرفی ندای "هل من ناصر ینصرنی" امام حسین (ع) را می‌شنویم که از حلقوم این ابر مرد زمان ما، خمینی بزرگ بیرون می‌آید و از طرفی دگر ترازویی را که در یک کفه اسلام و در کفه

دیگر صدام و صدامیان با سرنیزه‌های خویش آن کفه دوم را به سوی بالا فشار می‌دهند تا مگر اسلام عزیز را از درون کفه دگر بیرون اندازند و نابود سازند و اما در درون کفه دوم نیز خون عزیزان شهید همچون پدرمان و سایر پدران و مادران و برادران و خواهرانم قرار دارد که با فشار خون خویش، صدام و صدامیان را در زیر کفه می‌خواهند له و نابود نمایند و در این گذر ما هستیم مادرم که باید خون به این کفه بیفزاییم تا هر چه زودتر کفه دوم را به پایین فشار دهد تا هم صدام و صدامیان محو و نابود شوند و هم اسلام عزیز بالا رود و اوج بگیرد و در سراسر جهان گسترده شود. و مادر خوبم شهدای زنده رفته‌اند و ما زنده‌های مرده بر جای مانده‌ایم و باید ما نیز حرکت کنیم و به خیل شهدا بپیوندیم.

مادرم چیزی نداشتیم که بگوییم آن را چه کنید، فقط دوربینم را به تو می‌بخشم که آن را در اختیار کریم قرار دهید تا به عنوان یادگار یک شهید، خودش می‌داند که چه کار کند. با آن و مقداری فیلم از بچه‌ها گرفته‌ام که بعد از چاپ کردن آن را به آن‌ها بدهید و نیز مقدار ده هزار تومان پول که قرض کرده بودم به برادر سید محمد موسوی دادم که او نیز به یکی دیگر از برادران

خانواده‌ام را حتماً به زیارت ایشان ببرید. گروه گروه عزیزان شهید ما می‌روند و ما نیز در انتظار رفتن هستیم.

بدهد، از او بگیرید و آن را خودت می‌دانی که باید به چه کسی بدهی. مقداری نیز در خانه و در بانک دانشکده دارم که آن را به شما تقدیم می‌کنم. مادرم در خاتمه این کلام شهید شریعتی را به خاطر داشته باش که آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند و گرنه یزیدی‌اند. و برای آخرین بار صورتت را می‌بوسم و از تو می‌خواهم که برایم طلب عفو و مغفرت نمایی و امیدوارم که اگر شهید شدم بتوانم تو را در آن جا ملاقات نمایم. ضمناً سلامت را به پدر خواهم رساند و به او می‌گویم که پدرم، مادر راحت را ادامه می‌دهد.

برادرانم محمدعلی، قربانعلی، عبدالکریم، عبدالله و عزیزان برادرم روح‌الله و مهدی نازنین و دامادان مادرم، خسرو و حسن، از شما می‌خواهم راهی را که انتخاب نموده‌اید ادامه دهید تا رستگار شوید و صورتتان را می‌بوسم و نیز خواهرانم شما نیز زینب زمان باشید. به تمام برادران و خواهران در سپاه، دانشکده، مسجد، محله، اقوام و آشنایان سلام می‌رسانم.

و در خاتمه می‌خواهم که اگر امکان دارد چون خودم موفق به زیارت امام بزرگمان خمینی نشدم، مادرم و

ارام‌خمسیر (روایت)

درود خداوند بر خانواده‌های شهیدایی که با صبر و شکیبایی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام، بزرگ‌ترین حماسه‌های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می‌کنند.

صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۱، ۲۲، ۵/۱۳۵۹

شهید مسعود کرکر



تاریخ تولد: ۴ مرداد ۱۳۴۷
محل تولد: ویس
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۱۰ بهمن ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

با سلام و درود فراوان به امام امت و ملت مقاوم و همیشه در صحنه.

السلام علیک یا ابا عبدالله، ای حسین، ای شاه شهیدان، ای مظلوم کربلا، السلام علیک یا ابن رسول‌الله، ای کسی که در شب عملیات نام تو را می‌خوانند ای یاری دهنده مومنین و ای منجی رزمندگان.

خدایا تو را حمد می‌کنم این نعمت را به من عطا فرمودی و این سعادت را نصیبم کردی تا تنها چیزی را که دارم در راحت فدا کنم.

خداوندا، تو چقدر مهربانی که از گناهانم گذشتی و مرا نزد خود خواندی و مهربانی که نگذاشتی در این برهه از زمان که شهادت نصیب هر شخصی نمی‌شود، نصیب من شود و چقدر عطوفی که مرا به مرگ عادی از دنیا نبردی.

خداوندا، می‌دانستم و مطمئن بودم که اگر به وسیله مرگ عادی و در بستر از دنیا می‌رفتم جایگاهم دوزخ و زبانه‌های آتش بود.

خداوندا، نمی‌دانم این اشخاصی که در خیابان‌ها پرسه می‌زنند و شهر را، دنیا و آخرتشان کردند، جایگاه آن‌ها کجاست، آن‌ها در روز قیامت چه می‌کنند، آن‌هایی

که می‌توانند ایمان بیاورند ولی به خاطر اعمال زشت دنیویشان نمی‌خواهند، آن‌هایی که می‌دانند راهشان اشتباه است ولی دست از کارهایشان برنمی‌دارند، اگر ایمان نمی‌آوردی لاقلاً بنشینید و با منطق فکر کنید شاید منطق سر راهتان بیاورد. شما می‌دانید راهتان اشتباه است چرا برنمی‌گردید؟ چرا ایمان نمی‌آوردید؟ چرا خودتان را برای اعمالی که نه آینده‌ای برای دنیا دارد و نه برای آخرت از بین می‌برید؟ شما می‌دانید آخرتی هم وجود دارد، می‌دانید حسابی هم توی کار هست و باید جوابگوی اعمالتان باشید. چرا نباید این اعمال خوب باشد. ان شاءالله با کمی فکر کردن راهتان را تغییر دهید. خداوندا از این که این راه را پیش‌پایم نهادی سپاسگزارم.

سخنی هم با خانواده عزیزم دارم. ابتدا از مادرم شروع می‌کنم. مادرم، ای همیشه راضی به رضای خدا، همیشه و در همه حال و هر وقت که تو را می‌دیدم راضی بودی، هر وقت ناراحتی برای تو پیش می‌آمد در آخر راضی بودی، با همه مشکلات مبارزه کردی، همه نوع سختی کشیدی تا ما را به این جا رساندی. فراموشم نمی‌شود که چقدر برایم زحمت کشیدی، تو کوهی از صبر بودی و از تو

درس صبر می گرفتم، مادرم تو دین خودت را به من ادا کردی و من مدیون تو هستم. از این که نتوانستم در دنیا زحمات تو را حتی تا حدود کمی جوابگو باشم متاسفم و شرم دارم و ان شاء الله بتوانم در آن دنیا جوابگوی این همه زحمات باشم.

و تو پدرم که برای بزرگ کردنمان چه مشقت‌ها و چه رنج‌هایی کشیدی. تو خیلی به من محبت کردی و به حد کافی آزادی در اختیارم گذاشتی و برای راحتی‌مان زحمات و رنج‌های زیادی کشیدی، من که نتوانستم همیارت باشم و یا کمک دستت. ان شاء الله که برادرانم بتوانند این وظیفه را به عهده بگیرند.

و شما برادرانم ان شاء الله که در زندگی‌تان موفق باشید و آینده خوبی در پیش داشته باشید و به امید خدا در زندگی‌تان مشکلی پیش نیاید و سعی کنید در کارهایتان با پدر مشورت کنید.

شما خواهرانم که در دلتان پیشاپیش رزمندگان حرکت می‌کنید، برای شما آرزوی سعادت و خوشبختی می‌کنم، استدعا می‌کنم برادرانم که کوچک هستند یک رزمنده راه خدا به بار آورید ان شاء الله.

یکی دو تا وصیت دارم که ان شاء الله به آن عمل کنید. یک

کتاب از مسجد فاطمه الزهرا و چند کتاب هم از مسجد امام حسین (ع) گرفتم که به علت گم شدن نتوانستم تحویل بدهم. لطفا مسأله‌اش را سوال کنید و از لحاظ شرعی این مشکل را حل کنید و دیگری نمازم است که قضا دارم و تقریبا حدود چهار ماه است. لطفا این مسأله را هم از نظر شرعی حل کنید و مقداری هم پول دارم اگر کسی احتیاج دارد به او بدهید.

به امید پیروزی تمامی رزمندگان اسلام و به امید باز شدن راه کربلا.

به امید جوابگویی زحمات مادر

امام خمینسرا (روا)

آنان با عشق به خدای بزرگ، به معشوق خویش پیوستند و
ما هنوز در خم یک کوچه هم نیستیم.
خداوندا! این عزیزان از خود گذشته را در جوار رحمت خود
بپذیر و ما را از قیدها و بندهای خودبینی و خودخواهی
نجات مرحمت فرما.

صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۶

شهید سید سروراد مجذزاده طباطبایی



تاریخ تولد: ۱۰ تیر ۱۳۳۴
محل تولد: اصفهان
تحصیلات: لیسانس حسابداری،
دانشگاه تهران
وضع تاهل: متاهل
تعداد فرزند: یک دختر
تاریخ شهادت: ۲۰ بهمن ۱۳۶۱
محل شهادت: رقابیه
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

این وصیت‌نامه مهرداد مجدزاده عبد گناهکار پروردگار است که به رحمت خدای خویش و شفاعت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و حضرت زهرا (ع) امید دارد.

از خدای خویش شرمندهام که معاصی بسیار نموده‌ام، امید است که خداوند رحمان و رحیم بر این بنده از سر لطف ترحم نماید و قلم عفو بر معاصی‌ام کشد و مرا در جوار خویش جای دهد.

پدر و مادر عزیزم، دست هر دوی شما را می‌بوسم و از این که حق فرزندی را به‌جا نیاوردم مرا ببخشید. این را بدانید که ان‌شاءالله می‌دانید، عمر انسان زود تمام می‌شود و فقط ایمان و عمل صالح است که در قیامت به درد انسان می‌خورد و در تاریکی‌های قبر، انسان را نجات می‌دهد. من دیروز بین شما بودم و امروز برای شما عبرت هستم. چه بسیار کارهای خیری که می‌توانستم انجام دهم ولی ندادم و چه بسیار معاصی که متأسفانه مرتکب شدم و اکنون افسوس می‌خورم. ولی می‌بینید که دیگر فرصت از دستم رفته است، پس شما مرا عبرت قرار دهید و تا خداوند فرصت داده است برای آخرتتان زحمت بکشید که دو روزه دنیا خیلی زود می‌گذرد.

همسر خوبم، یکی از نعمت‌های بزرگی که خداوند در

زندگی نصیب من نمود، تو بودی. تو و خانواده‌ات خیلی خوب هستید. من نسبت به خوبی‌های خانواده‌ات، خصوصاً مادرت خیلی شرمندهام. در اعماق وجدانم نسبت به خانواده‌ات احساس شرمندگی دارم که نتوانستم خوبی‌های آن‌ها را تلافی کنم. امیدوارم که مرا ببخشی از صمیم دل، که شوهر خوبی برای تو و پدر خوبی برای فاطمه عزیزم نبودم. در این روزها که این‌جا بودم چقدر دلم برای هر دوی شما تنگ شده و دلم می‌خواست یک‌بار دیگر همه را خصوصاً تو و فاطمه را می‌دیدم. از طرف من به یکایک اعضای خانواده‌ات سلام برسان و طلب مغفرت کن.

خواهرانم شما نیز مرا ببخشید. برادر عزیزم شهرداد تو برای من هم یک برادر بودی و هم یک دوست. من تو را خیلی دوست دارم و می‌دانم که انسان صادقی هستی که به اسلام و امام عشق می‌ورزی. شهرداد عزیز، خودت بهتر می‌دانی که عمر انسان و حیات و آن راهی که بیشتر از هر راه می‌توان به اسلام و جمهوری اسلامی خدمت کرد، حداکثر توان خود را در خدمت به اسلام مصرف کن که دنیا با همه فریبندگی‌اش متاع ناچیزی است. امیدوارم همه برادرانی که به حقوق آن‌ها تعدی و تجاوز

نموده‌ام مرا ببخشند.

مقداری بدهی به شرح زیر دارم:

یک ختم قرآن که تا آخر سوره نحل خوانده‌ام و برایم یک نفر از اول سوره بنی اسرائیل تا آخر را تمام کند.

پنج هزار تومان پول خمس بدهکارم که چهار هزار و پانصد تومان سهم امام و پانصد تومان آن سهم سادات است که همه پنج هزار تومان را به حجت‌الاسلام جزایری بدهید.

مبلغ ده هزار و چهارصد تومان به ... بدهکارم که خدا این مرد را نیز اجر فراوان دهد که در زندگی محبت‌های بسیاری می‌نمود.

چهار سال نماز و احتمالاً شش ماه روزه بدهکارم.

حدود صد تومان به یک منافق تروریست ... همان فردی که به خانه‌مان حمله کرد بدهکارم. اگر توانستید به خانواده‌اش بدهید و اگر ممکن نشد از آقای جزایری یا آقای شفیع‌ی مسئله‌اش را سوال کنید که چه باید کرد؟

یک کتاب حماسه حسینی از آقای مطهری از کتاب‌هایی که در چهار طبقه شرکت نفت می‌فروشند به امانت گرفته‌ام یا کتاب را پس بدهید یا به علیرضا پرهیزگار در شرکت نفت بابت کتاب سی تومان پول بدهید که البته

اگر پول بدهید بهتر است.

هر کس که طلبی دارد بگویید که بیاید و بگیرد و یا ببخشد. نزد هر کس هر چه دارم از باب هدیه از من بپذیرد. دوست دارم کلیه حقوق بعد از مرگم به همسرم داده شود که معاش خودش و فاطمه عزیزم را تامین کند. کتاب‌هایم را دوست دارم در راه خدا انفاق کنید.

در خاتمه از همه فامیل و نزدیکان طلب عفو دارم و آن‌ها را به خدا می‌سپارم و از دو برادر خوبم سید جمال و شهرام که برای خانواده‌ام و خودم زحمات بسیار کشیدند کمال تشکر را دارم.

ارام خمیسر (ارواح)

رحمت خداوند بر همه شهیدان و رضوان و مغفرت حق بر
ارواح مطهرشان که جوار قرب او را برگزیدند و سرافراز و
مشتاق به سوی جایگاه مخصوص شان پیشگاه رب خویش
شتافتند.

صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۷۵، ۱۳۶۱/۸/۲۵

شهید منصور مستظفر



تاریخ تولد: ۱۴ آبان ۱۳۴۲
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۲۳ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

با سلام بر پیشگاه ولی عصر امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام خمینی و سلام به تمام خانواده‌های شهدا و سلام بر تمام رزمندگان اسلام در هر کجا و هر مکان که هستند و می‌رزمند.

خدایا، پروردگارا، معبودا، ای دوست مهربان نمی‌دانم چه بگویم و چه بنویسم به عنوان وصیت‌نامه. ای دانای خوبی‌ها و بدی‌ها دیگر خجالت می‌کشم چیزی بنویسم چندین بار است می‌نویسم و پاره می‌کنم و وقتی به وصیت‌نامه‌ای که خود نوشته‌ام، می‌نگرم، هیچ کدام از آن وصایا را در خود نمی‌بینم.

"یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون"

گاهی اوقات به حسابم می‌رسم، می‌بینم که نامه اعمالم مملو از گناه و معصیت و نافرمانی از فرمان خداوند است. خدایا نسبت به گذشته‌هایم چه کنم. اگر تو مرا نبخشی و مرا عفو نکنی، با این نامه سیاه، فردای محشر چه جوابی دارم که بدهم به جز رو سیاهی

"فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره ومن يعمل مثقال ذره شرایره"

خدایا تو را به مقربان درگاهت، خدایا تو را به خاصان درگاهت، خدایا تو را به عزت و جلالت، خدایا تو را

به کبریاییات قسم می‌دهم که از من حساب دقیق نگیری، همان ظواهرم را حساب کن و چیز دیگری از تو نمی‌خواهم. در صورتی که می‌دانم، اعتقاد دارم که ارزش عملی که انسان انجام می‌دهد به واسطه نیت اوست و اگر نیت غیر الهی و شیطانی باشد، دیگر به چه درد می‌خورد. خدایا چه کنم چاره‌ای بنما برای این بنده گناهکار و عقب‌مانده از همه جا و همه چیز، خدایا، پروردگارا تنها راهی را که می‌بینم و راه را به من نشان می‌دهد (همچون شمعی در شب ظلماتی) و وسیله‌ای است برای رسیدن به تو، شهادت فی سبیل‌الله زیر پرچم اسلام و با اولیاء و صالحانت است.

پدر و مادر عزیزم سلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته، امیدوارم که خداوند صبری عظیم به شما عطا بفرماید. پدر و مادر عزیزم، من نمی‌گویم در سوگ من گریه نکنید اگر خواستید گریه کنید برای علی اصغر و علی اکبر امام حسین و همچنین برای شهادت مظلومانه امام حسین (ع) گریه کنید چون خون من رنگین‌تر و عزیزتر از خون آن‌ها نیست و دیگر این‌ها که این گریه به شما خط و هدف بدهد و ایمان شما را تقویت کند و اگر غیر از این باشد جز ریختن چند قطره اشک که

پولی که در پس انداز دارم به حساب ۱۰۰ امام بریزید و مقداری هم به جبهه بدهید اگر از کسی طلبکارم در راه خدا بخشیدم و اگر بدهکارم به خانواده‌ام مراجعه کند و طلب خویش را پس بگیرد.
وعجلت الكرب لترضی
پروردگارا به سویت شتافتم تا از من راضی و خشنود باشی.

موجب ناراحتی شما شود هیچ اثری نخواهد داشت. گریه باید روح شما را شست و شو بدهد، گریه باید شما را در مقابل دشمنان اسلام و قرآن مقاوم و استوار کند، گریه باید روح و جسم شما را در برابر ناملایمات زندگی قوی کند ولی یک مسئله دیگر باید مدنظر شما باشد و آن این که جلوی دشمنان اسلام و آنان که نمی‌خواهند احکام و دستورات اسلام و قرآن پیاده شود، چه دوست و غریبه، حتی یک قطره اشک هم نریزید چون با گریه شما آن‌ها شاد می‌شوند و آن‌ها درصدد ضربه زدن به اسلام و قرآن هستند.

در پایان از تمام برادران و خواهران می‌خواهم اگر در حق کسی کم لطفی و یا خطایی مرتکب شده‌ام و یا پشت سر کسی غیبتی کرده‌ام و یا تهمت زده‌ام مرا ببخشند که سخت به بخشش آن‌ها نیازمندم و از آن‌ها می‌خواهم که در دعاهای خالصانه خود این بنده را فراموش نکنند و برای این بنده گناهکار طلب عفو و مغفرت کنند و از خداوند بخواهند که از من راضی باشد و مرا با شهدا و صالحان و اولیائش محشور کند.
دو سال نماز و دو ماه روزه بدهکارم. در ضمن از روزه ماه مبارک رمضان ۶۲، هفت روز روزه قضا دارم. مقدار

مقام معظم رهبري:

حقيقت مطلب هم اين است كه شهادت، مقام و رتبه‌اي است كه با معيارهاي مادي و ظاهري قابل سنجش نيست. يعني شهادت و شهيد را نمي‌شود با محاسبات مادي سنجيد. حتي در ميان ارزش‌هاي معنوي هم كمتر چيزي وجود دارد كه بشود آن را با شهادت در راه خدا مقايسه كرد.

مصلاي اروميه، ۱۳۷۵/۶/۲۷

شهید مسعود میرآباد



تاریخ تولد: ۱۲ مرداد ۱۳۴۷
محل تولد: اهواز، خوزستان
تحصیلات: دیپلم متوسطه
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۴ دی ۱۳۶۵
محل شهادت: جزیره سهیل، کربلای ۴
محل خدمت: شرکت ملی مناطق
نفت خیز جنوب

"احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا و هم لا يفتنون"
"آیا مردم پنداشته‌اند که همین که گفتند ما ایمان
آورده‌ایم کافی است و امتحان نمی‌شوند؟"

به پایه‌های دنیا تکیه ندهید زیرا پایه‌های دنیا لرزان
است و هر لحظه ممکن است فرو ریزد آن وقت
می‌خواهید جواب خدا را چه بدهید. می‌خواهید بگویید
که برای راحتی زن و فرزند بود که در آن لحظه زن و
فرزند از شما می‌گریزد و به کار شما نمی‌آید. البته کسی
نمی‌گوید انسان در راحتی نباشد ولی آن قدر به فکر
راحتی نباشید که خدا را فراموش کنید و برای به دست
آوردن راحتی به کارهای حرام، خدای نکرده دست بزنید.
برادران سعی کنید عمل خیر انجام دهید و به همدیگر
کمک کنید به خاطر خدا، زیرا در روز جزا انسان‌ها را بر
زیادی اعمال خیرشان تقسیم می‌کنند نه بر زیادی مال و
اندوخته‌های مادی.

پدران و مادران عزیز از رفتن فرزندان‌تان به جبهه
جلوگیری نکنید زیرا فرزندان‌تان که مال شما نیستند.
آن‌ها امانت به شما سپرده شده‌اند. درست است که
برای او زحمت زیادی کشیده‌اید ولی این را بدانید که
امروز اگر از رفتن فرزندان‌تان جلوگیری کنید فردا روز

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام
به سنگر نشینان حق و با سلام به کلیه مسئولان که برای
انقلاب تلاش می‌کنند.

برادران و خواهران قدر این لحظات را بدانید و ارزش
این زمان را که سپری می‌شود. سعی کنید در هر حالی
که هستید برادران، امام عزیز را تنها نگذارید. همان‌طور
هم که تا حالا با امام بوده‌اید باشید. قدر این انقلاب
را بدانید، نگذارید به خاطر کمبود و فشار، خودتان را
فراموش کنید و فراموش نکنید که این انقلاب با ریختن
خون افراد زیادی و با معلول و مفقود شدن افراد زیادی
به دست آمده و نباید از بین برود و یا با سبک شمردن
مسائل اسلام ارزش آن را کوچک کنید.

برادران و خواهران در انجام مسائل اسلامی کوشا
باشید، سعی کنید کمتر غیبت دیگران را بکنید و تنها
گوینده نباشید بلکه عمل‌کننده هم باشید، زیرا حرفی
ارزش دارد که انسان خودش هم به آن عمل بکند، نه
به آن که فقط به دیگران بگوید. و این را هم بدانید تنها
گفتن آن‌که ما مسلمان هستیم کافی نیست بلکه انجام
دادن مسائل با گذراندن امتحانات مشخص می‌شود.
آیه‌ای از سوره عنکبوت قرآن که می‌فرماید:

قیامت باید جوابگو باشید و حدیثی از امام علی (ع) داریم که می‌فرماید: "در دنیا آن طور عمل کنید که در آخرت بتوانید جوابگو باشید."

امیدواریم که ما از کسانی باشیم که بتوانیم در آخرت جوابگو باشیم و بدانید که ما در امتحان هستیم و امیدواریم که از این امتحان سرفراز بیرون بیاییم.

و اما چند سخنی با خانواده دارم؛

اول از مادر شروع می‌کنم که خداوند ان‌شاءالله او را بیامرزد و می‌دانم که آن طور که باید نتوانستم زحماتش را جبران کنم ولی حالا او رفته و امیدوارم که مرا بخشیده باشد.

و اما پدرم، تو زحمات زیادی برایمان کشیدی. روزها در زیر آفتاب و باران در زمین کار کردی تا ما را بزرگ و تربیتمان کردی. امیدوارم من را که نتوانستم زحمات تو را جبران کنم بخشیده باشی زیرا اگر تو مرا نبخشی خدا هم مرا نمی‌بخشد.

و اما برادرانم، سعی کنید دنباله‌رو راه امام حسین (ع) باشید و امام را تنها نگذارید در هر حال به فکر مرگ باشید چون مرگ حق است و یاد او انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد و هر کس در هر مقام و موقعیتی که

باشد آخر مرگ به سراغش می‌آید پس هر چه بهتر که انسان با ایمان به خدا از دنیا برود.

اما خواهرانم، شما حجابتان را رعایت کنید که رعایت حجاب مشتمل محکمی است بر دهان دشمنان داخلی و خارجی اسلام و سعی بر یادگیری مسائل اسلامی داشته باشید.

در آخر از کسانی که از من طلبی دارند، از خانواده‌ام بگیرند و اگر نزد کسی چیزی دارم می‌بخشم و از همه برادران طلب بخشش می‌کنم و امیدوارم که مرا ببخشند.

مقام معظم رهبري:

هر يك از اين ستارگان درخشان، مي‌تواند عالمي را روشن
كند، بنابراین، حقيقت شهادت، حقيقت عظيمي است.

تهران ۱۳۷۶/۲/۱۷

شهید غلامرضا داور



تاریخ تولد: ۱ اسفند ۱۳۴۶

محل تولد: اهواز

تحصیلات: دیپلم

وضع تاهل: مجرد

تاریخ شهادت: ۴ دی ۱۳۶۵

محل شهادت: جزیره سهیل، کربلای ۴

محل خدمت: شرکت ملی مناطق

نفت خیز جنوب

در آغاز شهادت می‌دهم به یگانگی خداوند و شهادت می‌دهم به پیغمبری آخرین فرستاده باری تعالی محمد بن عبدالله و شهادت می‌دهم به ولایت پسر عم پیامبر علی بن ابیطالب و اما بعد؛ سلام بر منجی عالم بشریت مهدی صاحب الزمان (عج) و سلام بر امام امت خمینی بت شکن و سلام و درود بر شهیدانی که خون خود را در راه بارور نمودن درخت اسلام که در ایران ریشه زده، دادند و سلام بر شما پدر و مادر عزیزم و شما خواهران و برادران گرامی ام.

پدر و مادر عزیزم من در این لحظات که وصیت‌نامه‌ام را می‌نویسم تمام خطاهایم به یادم می‌آید و خود را سرزنش می‌کنم و از شما عذرخواهی می‌کنم و از شما برای این که فرزند خوبی نبودم و حق فرزندگی را ادا نکردم طلب عفو و بخشش می‌کنم. پدر و مادر عزیز این را می‌دانم که فرزند هر چند که بد باشد اما پدر و مادر او را دوست دارند و من هم از این قاعده کلی مستثنی نبودم و نیستم و می‌دانم که بعد از شهادتم، برایم اشک می‌ریزد و می‌دانم که این اشک از جگر سوخته برمی‌خیزد و کسی نمی‌تواند جلوی برخاستنش را بگیرد ولی دوست دارم در حالی که بر مزارم و در هر

حالی که برایم اشک می‌ریزد به یاد جگر گوشه زهرا (س) سیدالشهدا و برای غریبی و مظلومیت او اشک بریزید و از شما برادران عزیز که با شما بودن برایم لحظاتی بس شیرین و لذت بخش بود و از شما درس‌های بسیاری یاد گرفتم. برادران عزیزم کرم جان، امیرجان، غلامعلی جان، می‌دانم که حق برادری را بر شما ادا نکردم و همیشه موجب اذیت و آزار شما بودم اما به هر حال برادر شما بودم و از این که وظایفم را در قبال شما ادا نکردم مرا مورد عفو و بخشش قرار دهید و برایم توفیق دیدار امام حسین (ع) را از خداوند بخواهید. برادرم کرمعلی جان، شما را مدت زیادی ندیدم و بزرگترین آرزویم دیدن شما بود و امیدوارم که شما مرا مورد عفو قرار دهید زیرا آن زمانی که شما با ما بودید حق برادر بزرگتری شما را ادا نکردم. خانواده عزیز، امیدوارم بعد از شهادتم، شما مزه پیروزی را بچشید و از شما خواهران گرامی ام که بحمدالله قلبم از این نظر آسوده است که شما هر کدامتان حجاب و مسائل اسلامی و اجتماعی را رعایت می‌کنید و از این که برادری خوب و شایسته برای شما نبودم طلب عفو می‌کنم و همین طور از شوهرتان که هر کدامشان را مانند برادری دوست داشتیم و از فرزندانتان که هر کدامشان را مانند

این را می‌خواهم که اگر در جبهه جنگ نمی‌توانید حاضر شوید لاقلاً در این جبهه بکوشید. دینی که اسلام عزیز برگردنتان نهاده ادا کنید و از شما طلب عفو و بخشش می‌کنم.

مدت یک ماه روزه و یک روز کفاره روزه بدهکار هستم و مدت سه ماه نماز بدهکار هستم. امیدوارم خانواده برایم آن‌ها را به جا بیاورند و اگر از کسی طلبی دارم به او می‌بخشم و اگر کسی از من طلبی دارد می‌تواند از خانواده‌ام مطالبه کند و خانواده‌ام از حقوقی که قبلاً داشتیم و مقداری که در دفترچه‌ام است به او بپردازند و تمام اموال هر چند که بی‌ارزش هستند در اختیار پدر و مادرم هستند.

در آخر از تمام کسانی که غیبت آن‌ها را کرده‌ام و یا حقی از آن‌ها را پایمال کردم و یا موجب اذیت و آزار آن‌ها شده‌ام طلب عفو و بخشش را دارم و امیدوارم که مرا ببخشند و از تمام خانواده و دوستان و آشنایان و هر کس که مرا می‌شناخته و برخوردی با من داشته‌اند حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که خداوند منان مرا و همه شما را مورد عفو و آمرزش قرار دهد. برایم زیاد قرآن و فاتحه بخوانید و دوست دارم که مرا دو بار غسل دهند.

خودتان دوست داشتیم و دایی خوبی برای آن‌ها نبودم طلب عفو می‌خواهم و از تمامتان این خواهش را دارم که همیشه پشتیبان امام و دولت جمهوری اسلامی باشید و اگر در زندگی مسائلی برایتان پیش می‌آید آن را با صبر و توکل بر خداوند منان حل کنید و اگر کمبودی در زندگیتان هست با قناعت و صبر ان‌شاءالله حل می‌شود. برادرم امیر امیدوارم که همیشه زندگی خوبی داشته باشید و از شما متشکرم که همیشه معلم و برادری خوب برایم بودید.

من کوچک‌تر از انم که بتوانم به مردم عزیز و باایمان کشور اسلامی ام وصیتی بکنم اما وظیفه‌ای است که باید به آن عمل کنم. ای ملت غیور ایران شما که در راه اسلام و قرآن به پا خاستید و شاه و عواملش را بیرون و حکومت اسلامی را در کشورتان جایگزین کردید. باید تا آخر پشتیبان آن باشید و همیشه و در همه حال چه در سختی و چه زمانی که در نعمت و آسایش هستید، از این جمهوری اسلامی دفاع و پشتیبانی کنید و اگر کمبودی هست با قناعت و توکل بر خداوند باری تعالی برطرف می‌شود.

از تمام دوستان و برادران دینی که با آنان بودم و حق دوستی و همنشینی آنان را ادا نکردم، طلب عفو می‌کنم و ای برادران همکلاسی که با شما در یک جبهه واحد بودیم،

مقام معظم رهبري:

رحمت خدا و درود پیامبران و فرشتگان و بندگان صالحش،
بر روح پاک شهیدان و همت آزادگان، و سلام و رحمت حق
بر امام همیشه زنده ملت ایران.

۱۳۷۷/۱۱/۱۵

شهریار محمد شرافسلاج



یارب به در تو آمدم شرمنده
از بار گناه سر به زیر افکنده
من بنده عاصیم تو مولای کریم
عفو از تو روا بود گناه از بنده

با سلام به پیشگاه مقدس حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و نایب برحقش امام خمینی.
حال که خدای بخشنده گناهکاران به این بنده گنه‌کار توفیق داد که در جبهه حق علیه باطل شرکت کنم اگر نظر لطفی به این حقیر کرد و شهادت در راهش را نصیبم کرد از افراد خانواده، مخصوصاً مخصوصاً پدر و مادر مهربانم که زحمتهای زیادی را برای من متحمل شده‌اند، می‌خواهم بی‌تابی نکنند و بردبار و صبور باشند. از آن‌ها و همه دوستان و آشنایان می‌خواهم که مرا حلال کنند.

مبلغ سی هزار ریال (سه هزار تومان) به عنوان رد مظالم به دفتر امام از طرف من بدهید.
برای این بنده عاصی طلب غفران و برای امام عزیز سلامتی و طول عمر با عزت طلب کنید.

شهرت عالم غزنور محمد



تاریخ تولد: ۲۰ تیر ۱۳۴۰
محل تولد: شوشتر، خوزستان
تحصیلات: راهنمایی
وضع تاهل: مجرد
تاریخ شهادت: ۳ بهمن ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
محل خدمت: شرکت ملی نفت ایران

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب، هم او که با فریادش دل‌های به خواب رفته را بیدار نموده، با درود و سلام به رهروان امام، بر شهیدان گمنام، بر مفقودین و اسرای دربند ظالم.

اینجانب علی اصغر نورمحمدی دست به قلم برده، تا ایده و هدف خویش را بر روی کاغذ بیاورم. من با آگاهی کامل به دنبال انجام وظیفه‌ام که جهاد در راه خداست می‌روم، چه بسا در این راه لیاقت شهادت نیز بیایم. من با آگاهی به دنبال شهادت می‌روم برخلاف عده‌ای که با ناآگاهی به دنبال مرگ می‌روند، با جهاد نکردن نمی‌توان از مرگ گریخت، با به جبهه نرفتن نمی‌توان از مرگ گریخت. حضرت علی (ع) می‌فرماید، هر کس به دنبال مرگ سرخ یا شهادت نرود، مرگ سیاه به دنبالش خواهد آمد.

آنان که با گذشت هفت سال از انقلاب و جنگ هنوز هم در فکرهای خام خود غوطه‌ور هستند باید بدانند که اسلام و مسلمانی به نماز تنها خواندن نیست. مگر شما تاریخ نخوانده‌اید که تمامی پیامبران و ائمه برای حفظ دین خدا جهاد کرده‌اند. در این راه چه زجرها دیدند و نهایتاً شربت گوارای شهادت را با آگاهی کامل نوشیدند.

پس شما پیرو کدامین امام هستید که قدم در راه جهاد نمی‌گذارید و تا جانتان در معرض خطر باشد پا به فرار می‌گذارید. راستی اندیشیده‌اید چه چیز عمرین سعد را زمین زد؟ با این که او از اصحاب پیامبر (ص) بوده. آری آنچه او را نیست و نابود کرد دنیا و دنیاطلبی بوده و شما هم به خاطر دنیا و مالش رو در روی اسلام و امام خمینی که نایب امام زمان (عج) است ایستاده‌اید. امروز هر کس با امام امت مخالفت کند هدفش ضربه زدن به اسلام و جمهوری اسلامی و پایمال کردن خون شهدا می‌باشد. اما همین افراد در ظاهر دلشان به حال شهدا می‌سوزد و این دلسوزی هم از روی نادانی است.

خانواده عزیزم، پدر و مادرم در شهادت‌م صبر کنید و خلوص داشته باشید، یعنی هر کاری که انجام می‌دهید فقط به خاطر خوشنودی خدا باشد. حتی شهادت فرزند را نیز به رخ دیگران نکشید که ما به خاطر خدا به جبهه رفتیم، نه به خاطر چیزی یا کس دیگر.

آنان که بود عشق خدا بر سرشان شیرند، دل بیشه بود سنگرشان
گر کنده شود سر از پیکرشان
نشود کم یک مو از سر رهبرشان

پدر و مادر عزیزم از شما می‌خواهم که خدا را فراموش نکنید و در همه احوال شکر گزار باشید چون ما از خدایم و به سوی او می‌رویم، قرآن می‌فرماید:

انا لله و انا الیه راجعون.

دوست دارم بر شهادتم صبور باشید و از ملامت منافقین اندوهگین نشوید. چون هر کس به طرف حق رود، دشمنانی پیدا می‌کند. هر کس با امام و مسئولین مملکت و جمهوری اسلامی مخالف باشد، حق شرکت در تشییع جنازه‌ام را ندارد. دوست ندارم کسی دلش به حال من بسوزد، این‌ها دلشان به حال خودشان بسوزد که فردا مرگ به سراغشان می‌آید، آن وقت چه دارند که به خدا جواب دهند. پدر و مادرم، برادران و خواهرانم اگر می‌خواهید روحم شاد شود برای رضای خدا امام خمینی و یارانش را حمایت کنید و هر کدام از شما کوچکترین مخالفتی با مسئولین جمهوری اسلامی بکنید پای بر روی خون من گذاشته‌اید و روحم را آزار داده‌اید. دنیا اگر مملو از یزیدیان شود محال است که ما پشت به سالار شهیدان و امام امت بکنیم.

از برادرانم می‌خواهم که با بینش کامل اسلام را یاری کنند، مخصوصاً برادرم علی اکبر باید راه مرا ادامه بدهد.

محمد و عباس را هم توصیه می‌کنم که فردی پاک و بسیجی باشند و اگر می‌توانند در بسیج خدمت کنند. از خواهرانم می‌خواهم که حجاب خود را رعایت کنند و به فکر اسلام باشند نه به فکر من که خود را فدای اسلام کرده‌ام. من هیچ‌ام و هر چه هست خداوند متعال است و ما وسیله‌ای بیش نیستیم. باز هم می‌گویم به فکر اسلام باشید نه به فکر دنیا که دنیا به هیچ کس وفا نکرد و به شما هم وفا نخواهد کرد. مرگ حق است و بر شهادت من افتخار کنید که در راه خدا کشته شده‌ام و از شما طلب حلالیت می‌کنم و برایم دعا کنید.

من تمامی دوستانم را دوست دارم، مخصوصاً دوستان بسیجی را و از آنان که علاقه به من دارند، می‌خواهم راه مرا ادامه بدهند و به دوستان ورزشکارم سفارش می‌کنم اگر ورزش می‌کنید، هدفتان اسلام و سربلندی کشورتان باشد و تا آنجا که می‌توانید خدمت به جمهوری اسلامی بکنید و اگر عقیده‌ای به اسلام ندارید لاقلاً به فکر ملت و کشورتان باشید که امام حسین (ع) می‌فرماید، اگر دین ندارید لاقلاً آزاده باشید.

از دوستان می‌خواهم که اسلام را یاری دهند و خدا را فراموش نکنند. در دنیا هیچ چیزی برای انسان نمی‌ماند

پدر و مادرم، حقوقی که از شرکت می‌گیرم هر طور صلاح می‌دانید صرف کنید، مقداری هم در راه خدا انفاق کنید و به جای من کار خیر انجام دهید تا خداوند گناهانم را ببخشد.

در پایان از پدر و مادر عزیزم و از تمامی دوستان عزیز طلب حلالیت می‌کنم. به امید پیروزی حق علیه باطل.

و اگر چیزی از کسی بماند آن مردانگی و شرافت و کارهای خیر او است. من به جرأت قسم می‌خورم که همین کسانی که الان با امام امت مخالفت می‌کنند اگر در زمان امام حسین (ع) هم بودند با ایشان هم مخالفت می‌کردند و اگر امام زمان (عج) هم بیاید باز هم مخالفت می‌کنند.



شهریه نعمت الله ولرزاده



تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل تولد: اهواز

تحصیلات: دیپلم

وضع تاهل: مجرد

تاریخ شهادت: ۷ اسفند ۱۳۶۵

محل شهادت: شلمچه

محل خدمت: شرکت ملی مناطق

نفت خیز جنوب

با عرض سلام به پیشگاه حضرت مهدی (عج) و با سلام به امام امت که عاشق مهدی شدن بدون عشق امام محال است و با سلام و درود خدمت خانواده شهدا، مفقودین، اسرا و جانبازان که به حق، چشم و چراغ این ملتند و با سلام به خانواده گرامی و یکایک دوستان و آشنایان.

همه می‌دانند که امروز کشور اسلامی ایران با یک جنگ تحمیلی و ناخواسته که از سوی رژیم صدام و حامیانش به دولت اسلامی تحمیل شده، در یک طرف ایران و در طرف دیگر تمامی رژیم‌های دست‌نشانده آمریکا، در یک سو ایران اسلامی و در سوی دیگر صدامیان و تمامی کفر. در یک طرف حق و در طرف دیگر باطل. این جنگ نمونه عینی جنگ احزاب در دوران صدر اسلام است و همه این را بدانند هر کس این زمان به این جنگ اهمیت ندهد و از کنار مسئله جنگ با بی‌خیالی رد شود، به یقین بداند که اگر در دوران پیامبر هم بود چنین کاری می‌کرد. بعد از هفت سال جنگ، بعد از چندین سال شهید دادن، باز هم افراد زیادی هستند که خود را متعلق به این کشور نمی‌دانند و یا می‌دانند و برایشان فرقی نمی‌کند که آینده مملکت‌شان و مهم‌تر از همه آینده دین و ناموسشان

چه می‌شود. شما که چهار دست و پا چسبیده‌اید به این دنیای فانی و دنیا را با عینک پول و شهوت، خوردن، خوابیدن و جاه و مقام نگاه می‌کنید، مگر صدای غرش تانک‌های عراقی را در چند کیلومتری اهواز نشنیدید؟ آیا یادتان رفته سربازان عراقی با زن و بچه‌های دهکده‌های آبادان و سوسنگرد چه کردند؟ آیا تا به حال فکر کرده‌اید چه باعث شد که ارتش متجاوز عراق تا مواضع قبلی‌اش رانده شود؟ آیا به این زودی فراموش کردید حماسه شکستن حصر آبادان را؟ به خدا قسم که تنها چیزی که باعث شده ارتش صدام از جا کنده شود و به سوی نابودی حرکت کند، سیل خون شهیدان اسلام است. شهیدانی که از هستی خود گذشتند تا دین خدا و کشور اسلامی را حفظ کنند. عزیزانی که وجود خود را در طبق اخلاص گذاشتند تا به اسلام و امت اسلامی ضربه نخورد. برادران و خواهران برای من گریه نکنید برای اسلام گریه کنید که در این دنیای پر کفر و ستم غریب و مظلوم مانده و بیشتر از این جهت غریب و مظلوم مانده زیرا بیشتر افرادی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند و حتی مسلمان هستند، اسلام را تا آن جا قبول دارند و به اسلام تا آن جا عمل می‌کنند که به منافع آن‌ها

ضربه نخورد. ادعای پیروزی جنگ را دارند ولی به جبهه نمی‌روند. ادعای پیشرفت رزمندگان اسلام را دارند ولی از رفتن فرزند و شوهر خود جلوگیری می‌کنند. آرزوی سقوط رژیم صدام را دارند، اما از کمک به انقلاب و جنگ دریغ می‌کنند. برای امام حسین (ع) اشک می‌ریزند ولی در این برهه از زمان که فرزند امام حسین (ع)، امام خمینی انقلاب را حمایت می‌کند به او لبیک نمی‌گویند. به خدا قسم هر کس در هر کجا که هست، اگر به امر امام گوش ندهد بداند و مطمئن باشد که به ندای "هل من ناصر ینصرنی" امام حسین (ع) هم جواب نمی‌دهد. در این دوران نمی‌داند برای امام حسین (ع) اشک می‌ریزد، جز اشک تمساح چیزی نیست.

در تشییع جنازه بسیاری از شهدا شرکت داشتیم و زیر تابوت خیلی از دوستان رشیدم را گرفتم و جسم پاک دوستانم را یکی بعد از دیگری در تابوت دیدم و تمامی آن‌ها که برای به خاک سپردن شهدا حاضر بودند، دیدند که وقتی آن‌ها را درون قبر گذاشتند، هیچ چیز از متعلقات این دنیا را با خود نبردند جز اعمال و کردارشان. شاید شما هم از کسانی باشید که زیر تابوت مرا گرفتید و مرا به خاک سپردید. آیا مرا ندیدید که چیزی را از این دنیا با

خود نبردم جز اعمالم. باید فکر کنید که تمامی مردم مزه مرگ را می‌چشند، این گفته خداست و این گفته کلام‌الله است؛ "کل نفس ذائقه الموت".

بیاید و این پنبه‌ها را از گوش‌ها بیرون بیاورید من می‌دانم کسانی که وصیت‌نامه شهدا آن‌ها را حرکت نداد، وصیت‌نامه قدرت‌الله رستمی، فرهاد و علی بهزادی آن‌ها را تکان نداد، حرف‌های من حقیر هم در آن‌ها اثر نمی‌کند و این‌ها را برای مومنان می‌گویم؛ ای دنیاپرستان و شما که به گفته خودتان به فکر اسلام هستید، بیاید. مادرانی که از اسلام بویی نبرده‌اید اگر اسلام را نمی‌شناسید لاقلاً برای مملکت خود بگذارید فرزندان به جبهه بروند. ای پدر و مادرانی که که مسلمانید و مومن، دیگر شماها چرا؟ شما دم از اسلام می‌زنید و طرفدار انقلاب هستید، شماها چرا فرزندان را به جبهه نمی‌فرستید؟ شما چرا نمی‌گذارید فرزندان به جبهه بیاید؟ حضرت فاطمه که وقتی حضرت علی می‌خواست به جنگ برود، در پوشیدن لباس رزم و مهیا کردن حضرت به او کمک می‌کرد.

بسیاری از جوانان هستند که بعد از هفت سال جنگ هنوز بوی باروت هم به مشامشان نرسیده. به این دسته از جوانان می‌گویم، شما قدر خودتان را نمی‌دانید. شماهایی

را خیلی رنجانده‌ام و خیلی باعث ناراحتی شما شده‌ام. امیدوارم این‌ها را به حساب نادانی‌ام بگذارید، من را ببخشید و حلال کنید.

همچنین شما برادران و خواهرانم امیدوارم از حرف‌های تندی که به شما زده‌ام مرا ببخشید و برایم از خدا طلب مغفرت کنید.

مادرم هر وقت مصیبت حضرت امام حسین را می‌شنوی، اشک‌هایت جاری می‌شود و می‌گویی ای کاش ما در آن زمان بودیم، ای مادر الان هم زمان امام حسین (ع) است. الان هم اسلام در خطر است و به یاری احتیاج دارد. این را بدان حالا که فرزندت را در راه اسلام دادی و ان‌شاءالله در از دست دادن فرزندت صبر می‌کنی، بدان و مطمئن و خوشحال باش که اگر در زمان امام حسین (ع) هم بودی این کار را می‌کردی و خدا را شکر کن از این که فرزندت در راه اسلام کشته شده. مادرم آیا می‌خواستی فرزندت مانند جوانان بی‌عفت در کوچه و خیابان به هرزگی و بی‌بند و باری تن در دهد؟ آیا می‌خواستی فرزندت خدای ناکرده منافق باشد و بر علیه اسلام کار کند یا می‌خواستی، مادر فرزندت باشی که او را به خاطر این که علیه اسلام توطئه کرده، اعدام کرده‌اند؟ پس تا

که وقت خود را با انواع سرگرمی‌های کاذب و پوچ هدر می‌دهید، شماهایی که به مسایلی هم چون ورزش بیشتر از دینتان ارزش می‌دهید، شماهایی که اسلام را فقط در دهه عاشورا و آن هم برای سینه‌زنی می‌شناسید، آیا تا به حال با خود فکر کرده‌اید که آیا برای امام حسین (ع) سینه می‌زنید یا این که سینه زدن را هم یک عادت و سرگرمی می‌دانید؟ منظورم با آن اشخاصی است که تمام سال را به ولگردی و مسائل بی‌عفتی و غیر اخلاقی می‌گذرانند، آن وقت برای عاشورا و فقط برای سینه‌زنی، پیدایشان می‌شود. اگر دلتان به حال امام حسین سوخته، پس چرا راه حسین (ع) را نمی‌روید چرا به فرمان‌های امام خمینی که فرزند حسین (ع) است و خون حسین (ع) در رگ‌هایش جریان دارد اهمیت نمی‌دهید؟ به خدا قسم، چه شماها به راه اسلام بیایید و چه نیایید انقلاب و جنگ به راه خودشان ادامه می‌دهند ولی پشیمانی برای شما می‌ماند. این همه جوان به وسیله سوانح گوناگون فوت می‌کنند، از کجا معلوم شما چند سال دیگر زنده باشید؟ پس تا دیر نشده خودتان و خدای خودتان و امامتان را بشناسید. مادر و پدر گرامی‌ام می‌دانم که خیلی رنج کشیده‌اید و با هزاران آرزو فرزندتان را به این سن رسانده‌اید. شما

می‌توانی سپاس و شکر خدا را به جا بیاور که فرزندت با پای خودش و با علاقه و شوق به پیشواز مرگ در راه خدا رفت.

از برادرانم می‌خواهم که همیشه در خط انقلاب و امام باشند. نماز و مسجد و انقلاب را فراموش نکنند. ان‌شاءالله هنگامی که بزرگتر شدند و اسلام به آن‌ها احتیاج داشت از کمک دریغ نکنند.

برادران پایگاه شهدای محراب و انجمن اسلامی، شماهایی که پشتوانه انقلاب هستید، سعی کنید تمامی اعمالی را که انجام می‌دهید برای رضا خدا باشد. همیشه گوش به فرمان امام باشید و سعی کنید اتحاد و همبستگی خودتان را از دست ندهید و قلب‌هایتان را نزدیک‌تر کنید و در کارها با هم مشورت کنید و به هم خیلی احترام بگذارید و طبق گفته قرآن، سعی کنید با بهترین اخلاق و با سهل‌گیری و بخشش زیاد با هم دیگر رفتار کنید، برعکس با کفار و منافقین با شدت رفتار کنید. برادران شما انگستان این انقلابید و سعی کنید در کنار هم مانند مشت باشید بر سر منافقین و کفار بکوبید. هر پایگاه، گلزاری است که هر چند وقت، خداوند بهترین و خوشبوترین گل‌ها را از آن جا برای چیدن انتخاب

می‌کند. گل‌های معطری هم چون یفالی و کریم‌زاده و میراب‌زاده‌ها، گل‌های خوشبویی مثل شهرام و قدرت‌ها و خوب گاهی هم در این میان علف‌هایی ما بین این گل‌ها را می‌چینند که من هم یکی از آن علف‌ها هستم. امیدوارم اگر در پایگاه با برادری برخوردی داشته‌ام یا کسی را از خود رنجانده‌ام، مرا ببخشید و برایم دعا کنید.

در هنگام دفن مستحبات را برایم به جا بیاورید و مهر کربلا در مزارم بگذارید و نماز وحشت برایم بخوانید و هر وقت گذرتان بر مزار قدرت و علی افتاد، این حقیر را هم فراموش نفرمایید. همچنین اگر بر مزارم آمدید زیارت قبر مطهر قدرت و علی بهزادی هم فراموش نشود که حق زیادی به گردن من دارند. برادرم علی همیشه دعا می‌کرد که خدایا شب اول قبر حضرت علی(ع) را به فریادمان برسان، ان‌شاءالله که در شب اول حضرت علی(ع) به فریاد این حقیر هم برسد.

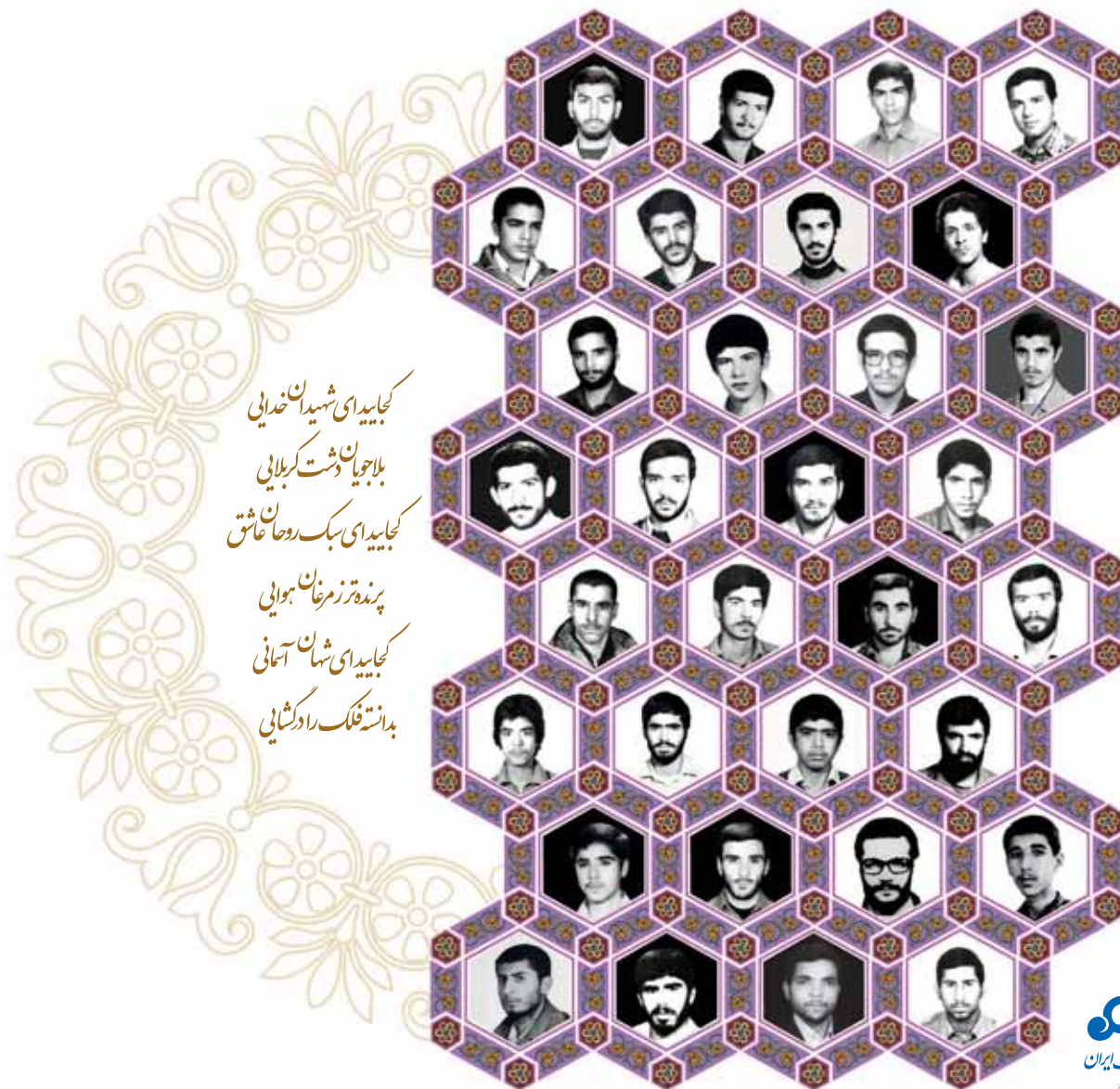
از تمامی خانواده و دوستان آشنایان و همکاران گرامی طلب بخشش می‌کنم و امید است مرا عفو کنند و از خطاهایم بگذرند و برایم طلب آمرزش کنند. ان‌شاءالله خداوند همه را هدایت بفرماید و به همه توفیق خدمت به اسلام بدهد و صبر و شکیبایی خانواده شهدا، مفقودین،

اسرا و خانواده جانبازان را زیاد کند و اسلام را هر چه
سریع‌تر پیروز کند و به امام عمر طولانی همراه با
سلامت عنایت کند و در ظهور حضرت مهدی (عج) تعجیل
فرماید.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند







کجایید ای شهیدان خدایی
 بلاچو یک دشت کربلایی
 کجایید ای سبک روحان عاشق
 پرنده زرمغان هوایی
 کجایید ای شهاب آسمانی
 بداند فلک را دکشانی



نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رودسر، شماره ۱۸، ساختمان مرکزی سوم شرکت ملی نفت ایران
 کد پستی: ۱۵۹۳۶۴۵۴۱۱، تلفن: ۶۱۶۲۷۲۲۰ - ۶۱۶۲۷۲۳۲، نمابر: ۸۸۹۴۶۳۶۲
www.nioc.ir